



«لیالی قدر» و لحظه‌های آسمانی دیدار

نشریه ویژه بازنشستگان صنعت نفت



اولین
«سینیور» ایرانی
در نفت

۱۴



وقتی که
چشمه اشک
خشک می‌شود

۱۲



بازنشستگی
نقشی نو بر «بوم»
سفیدنقاشی

۹



الفت
بر سر سفره
افطار

۵



تقدیر از
بازنشستگان
پالایش و پخش

۳



نیمه اول شهریور

۱۳۳۳	امضای قرارداد بین دولت زاهدی و کنسرسیوم بین المللی نفت
۱۳۳۳	ممنوعیت واگذاری هرگونه امتیاز به خارجیان تا پیش از خاتمه جنگ جهانی دوم و استقرار صلح در جهان از سوی دولت ساعد
۱۳۳۸	آغاز حفاری اولین چاه شرکت نفت ایران و ایتالیا (سیریپ) در منطقه فلات قاره ایران
۱۳۵۹	تأسیس شرکت نفت فلات قاره ایران

۱۰۰ سال با صنعت نفت

یادداشت

به انگیزه آغاز پنجمین سال انتشار «زندگی نو»

راهی که با هم پیموده‌ایم

تقارن روز خبرنگار امسال با آغاز پنجمین سال انتشار «زندگی نو» فرصتی نیکو فراهم آورد تا مجموعه دست‌اندرکاران نشریه، به بازبینی مسؤلیت سنگین ارتباطی‌شان با مخاطبانی بپردازند که همواره آنان را شرمند و محبت‌ها و الطاف خود قرار داده‌اند. بدون تعارف، روزی که ایده انتشار «زندگی نو» با سردبیر آن در میان گذاشته شد، هرگز گمان نمی‌رفت نشریه بتواند در فاصله‌ای نه چندان طولانی، پیوندهای محکم و استوار ارتباطی با جامعه مخاطب خود برقرار کند. در فاصله روزهای هفدهم مردادماه (روز خبرنگار) تاکنون و به بهانه آغاز پنجمین سال انتشار نشریه به عنوان یک رسانه سازمانی، «زندگی نو» و همکارانش چنان مورد لطف و محبت خوانندگانش قرار گرفته‌اند که هیچ زبان و بیانی قادر به پاسخگویی نیست. افزون بر تماس‌های تلفنی، ارسال گل و نامه‌نگاری‌ها، تماس‌های حضوری شما خوانندگان عزیز نشریه برای تبریک و تهنیت به کارکنان آن، یادآور می‌شود گو این که هر فعالیت ارتباطی و انتشاراتی می‌تواند کاری بسیار دشوار، پیچیده و حتی در دسرفرین باشد، اما به همان نسبت قادر است شوق‌برانگیز، امیدآفرین و تأثیرگذار باشد. ما عمیقاً خرسندیم که طی چهارسال انتشار منظم و مداوم «زندگی نو» توانسته‌ایم به دل‌ها و خانه‌هایتان راه پیدا کنیم. تلاش صادقانه و مسؤولانه همکاران نشریه به پشتوانه همراهی و همفکری مسؤولان صندوق‌های بازنگستگی به ویژه عزیزان فعال در «شرکت خدمات پشتیبانی صبا نفت» از یک تعامل معمول دوسویه ارتباطی و انتشاراتی، رفاقت و صمیمیتی بین جامعه بازنگستان و متولیان رسیدگی به امور آنان پدید آورده است که بی‌گمان اگر بی‌نظیر نباشد، کم‌مانند است. سطح روزافزون انتظارات و مطالبات شما خوانندگان عزیز از یک سو و مسؤولان و متولیان صندوق‌های بازنگستگی از سوی دیگر، گو این که کار را در مواردی بر ما دشوارتر از حد انتظار می‌سازد، اما در عین حال، شیرینی انتشار نشریه در زمان مقرر و آگاهی از این که در فاصله‌ای کوتاه، حاصل تلاش همکاران از سوی شما مورد استفاده قرار می‌گیرد، انگیزه ادامه کار را دوچندان می‌سازد. در یک کلام، «زندگی نو» فرصتی نو برای ما و شماست تا لذت واقعی یک کار جمعی را در حوزه اطلاع‌رسانی و ایجاد و تحکیم پیوندهای متقابل درک کنیم و چنین فرصتی را برای همیشه، معتنم بدانیم. آغاز پنجمین سال انتشار نشریه «زندگی نو» بر شما نیز گرامی باد. پایدار و پیروز و سربلند باشید.

نفت و خاطره

مناطق نفت خیز در گیر در جنگ شهریور

فرشید خداآبادیان



ششم اوت ۱۹۴۱ در این خانه زندانی بودند و در ساعت هشت و سی دقیقه صبح روز بیست و هشتم اوت ۱۹۴۱ توسط نیروهای نظامی ایران به یک مقصد نامعلوم انتقال یافتند.»

مقصد نامعلوم انگلیسی‌ها اندیمشک در شمال استان خوزستان بود. نیروهای ایرانی هر چند خبر ناجوانمردی ناو انگلیسی را در ساحل آبادان شنیده بودند اما می‌دانستند که با این گروه باید رفتاری انسانی داشته باشند. کارمندی هم که این متن را حکاکی کرده بود می‌دانست که در ایران خطر چندانی آنان را تهدید نخواهد کرد! قبل از آنکه اتباع انگلیسی در میهمانسرای شرکت نفت در اندیمشک مستقر شوند خبر تسلیم ارتش شاهنشاهی ایران اعلام شد و انگلیسی‌ها سوار بر اتوبوس شرکت نفت در حالی که به فرمانده نیروهای ایرانی پوزخند می‌زدند اندیمشک را به مقصد مسجدسلیمان ترک کردند! به دنبال آن در خانقین و کرمانشاه هم پس از چند روز که نیروهای ایرانی کنترل اوضاع را در دست گرفته بودند؛ سربازان هندی مجدداً در پست‌های دیده بانی مستقر شدند و پرچم شرکت نفت انگلیس و ایران A.I.O.C بار دیگر به اهتزاز درآمد.

استقرار نیروهای انگلیسی در مناطق نفت‌خیز هر چند رویداد تازه‌ای نبود اما این بار غرور سرکوب شده ایرانیانی را به همراه داشت که سربازان هندی را بر مال و جان و ناموس خویش مسلط می‌دیدند!

جنايات سربازان تجاوزگر در مناطق نفت‌خیز تلخ ترین خاطره حافظه تاریخی این بخش از کشور است که به جرم داشتن نفت و نداشتن حکومتی مردمی و قدرتمند محکوم به تحمل حضور بیگانه بود. مدتی بعد چرچیل پیروزمندانه گفت: "متفقین روی موجی از نفت به پیروزی رسیدند." نفتی که بدون شک بخش عمده آن از مناطق نفت‌خیز ایران تأمین شده بود.

* «صاحب»، عنوان یا لقبی بود که هندی‌ها به اربابان انگلیسی خود داده بودند و با این اسم آنان را مورد خطاب قرار می‌دادند.

شهریور ماه هر سال یادآور اشغال نظامی ایران توسط انگلستان و روسیه در جریان جنگ دوم جهانی به سال ۱۳۲۰ خورشیدی برابر با ۱۹۴۱ میلادی است. رویدادی که در مناطق نفت‌خیز نیز پی‌آمدهای خاص خود را داشت. صبح روز سوم شهریور ۱۳۲۰ انگلیسی‌ها در حیاط منزل «لین» H.W.LENE، رئیس مناطق نفت‌خیز در مسجدسلیمان جمع شده بودند تا اخبار را دنبال کنند. پیامی از هفتکل به صورت رمز و با اصطلاحات حفاری رسید که خبر می‌داد شش نفر بر ارتشی از طریق بمبئی وارد خاک ایران شده است. یکصد سرباز هندی بدون خونریزی در مسجدسلیمان بر اوضاع مسلط شدند تا خوش خدمتی خود را به «صاحب»‌ها تکرار کنند. فرمانده ژاندارمری مسجدسلیمان سعی کرد فرمانده انگلیسی نیروهای هندی را هدف قرار دهد که تیزش به خطا رفت و خودش هدف قرار گرفت و مجروح شد.

در هفتکل نیز اخباری مبنی بر کشته شدن یک درجه‌دار ژاندارمری در درگیری با نیروهای انگلیسی منتشر شد. علاوه بر آن در کرمانشاه هم نیروهای انگلیسی کنترل خطوط لوله و تاسیسات نفتی را در دست گرفتند. در چهارم شهریور با ورود سیصد سرباز ارتش ایران به مسجدسلیمان، درگیری در مرکز میادین نفت‌خیز ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. نیروهای ایرانی در قسمت‌های مختلف شهر سنگربندی کرده و مقر اصلی خود را روبروی ترابری شرکت نفت در مسجدسلیمان مستقر نمودند.

موقعیت برای انگلیسی‌ها سخت شده بود. فرمانده نیروهای ایرانی درخواست مذاکرات رئیس مناطق نفت‌خیز؛ آقای لین را رد کرد تا انگلیسی‌ها حساب کار خود را بکنند. روزهای بعد انگلیسی‌های مستقر در مسجدسلیمان توسط نیروهای ایرانی به حیاط منزل رئیس مناطق منتقل شدند تا در خصوص آنان تصمیم‌گیری شود. روز بعد یکی از این افراد روی دیوار منزل مذکور این نوشته را حکاکی کرد:

«تود و شش نفر از کارمندان به اتفاق همسران آنان در تاریخ بیست و

مدیرعامل شرکت خطوط

لوله و مخابرات: میانگین

سال‌های خدمت بازنشستگانی

که امشب مورد تقدیر قرار

می‌گیرند ۳۵ سال است



هفتمین جشن تجلیل از بازنشستگان پالایش و پخش ساکن تهران در باشگاه شماره یک برگزار شد.

به همت چند تن از پیشکسوتان و به کوشش روابط عمومی پالایش و پخش، ۴۰ تن از بازنشستگان قدیم و جدید ستاد پالایش و پخش، شرکت‌های مهندسی و ساختمان، شرکت پالایش نفت تهران، شرکت خطوط لوله و مخابرات و شرکت ملی پخش در باشگاه شماره یک گرد هم آمدند و با اهدای لوح تقدیر به

بازنشستگان جدید، هفتمین جشن تجلیل از بازنشستگان ساکن تهران را برگزار کردند. در این آیین مدیرعامل شرکت خطوط لوله و مخابرات، مدیرعامل شرکت پالایش نفت تهران و رییس امور کارکنان پالایش و پخش به ایراد سخن پرداختند و یکی از پیشکسوتان قدیمی پخش نیز بخشی از خاطرات خود را باز گفت. این جشن با اهدای لوح تقدیر به ۴۰ تن از بازنشستگان پالایش و پخش ساکن تهران پایان یافت. آقای حسین‌خانی معاون امور مالی و پشتیبانی صندوق بازنشستگی از میهمانان ویژه این جشن بود.

مدیرعامل شرکت پالایش نفت

تهران: وقتی یک بازنشسته

نفتی پس از سه یا چهار دهه

فعالیت رسمی، در مجموعه‌ای

سرگرم کار می‌شود، هرگونه

فعالیت و واکنش او در

ارتباط با کار، برای دیگران

قابل استفاده است چرا که از

تجربیات او سرچشمه می‌گیرد

تقدیر از بازنشستگان پالایش و پخش



ساله به یک زندگی نو و تحول یافته قدم می‌گذارد. او ابتدا باید شرایط جسمی و روحی خود را ارزیابی کند تا بتواند به شیوه‌هایی که از سوی دیگران مورد استفاده قرار گرفته و نتایج خوبی هم داشته دسترسی پیدا کند.

وی گفت: به عبارت ساده، وقتی یک بازنشسته

نفتی پس از سه یا چهار دهه فعالیت رسمی، در مجموعه‌ای سرگرم کار می‌شود، هرگونه فعالیت و واکنش او در ارتباط با کار، برای دیگران قابل استفاده است چرا که از تجربیات او سرچشمه می‌گیرد.

نگهداری از درآمد جایگاه‌ها زیر بالش

ابوالقاسم سهرابی متولد سال ۱۳۰۹ در سن ۱۶ سالگی به استخدام شرکت نفت ایران و انگلیس درآمد.

با حمایت و تشویق انسانی شریف موفق به دریافت دیپلم ادبی شد و در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به دانش‌اندوزی پرداخت. پس از پیروزی نهضت ملی شدن نفت به اداره حسابداری منتقل شد و با عزم و علاقه، به رمز و راز امور جاری در بخش‌های مختلف حسابداری پی‌برد. پس از طی دوره آموزشی حسابداری در انگلیس به ایران

ارابه خدمات فراهم نمی‌شود. خانواده بزرگ پالایش و پخش و خطوط لوله و مخابرات شرکت مهندسی و ساختمان در مجتمع‌های مسکونی واقع در مناطق عملیاتی زندگی می‌کند و از نزدیک با مسایل و مشکلات عدیده‌ای که وجود دارد آشناست و با مدارا بامشکلات و کنار آمدن با کمبودها و بحران‌ها، این فرصت را برای سرپرست خانواده فراهم می‌آورد که خدمات خود را به شکل دلخواه به مجموعه پالایش و پخش، صنعت نفت و کل کشور ارائه کند و به یمن همین خدمات است که چراغ اقتصاد کشور روشن می‌ماند و امکان استفاده بهینه از انواع حامل‌های انرژی برای بخش‌های اقتصادی و صنعتی و تولیدی فراهم می‌آید.

اهمیت تجربه

گردآوری مجموعه تجربه‌ها و خاطرات همکاران بازنشسته پالایشگاه تهران کاری است که می‌تواند همچون چراغی، مسیر پیش‌روی همکاران شاغل به ویژه جوانان را روشن کند و آنان را به گشودن گره‌ها و رفع تنگناها قادر سازد.

مدیرعامل شرکت پالایش تهران بایان این مقدمه افزود: یافتن بهترین و مؤثرترین شیوه‌ها برای بهره‌مند ساختن نسل امروز از تجربه‌های ارزشمند پیشکسوتان، خود می‌تواند به عاملی برای گذران اوقات فراغت بدل شود و همکار بازنشسته را از اندیشه‌های منفی و توهم‌ها به دور نگه دارد.

مهندس خسروانی تصریح کرد: هر یک از کارکنان پالایشگاه با سمت و رده شغلی متفاوت، با نبوهی از تجربه‌ها و یافته‌ها و شنیده‌های ۳۰-۴۰

چگونه می‌توان محرومیت‌ها و آسیب‌های احتمالی را جبران کرد؟ و چگونه می‌توان دوران بازنشستگی آرام، پرثمر و توأم با رفاه نسبی و امکانات درمانی، فرهنگی و ورزشی مطلوب را برای این انسان‌های بزرگ و خانواده‌هایشان پیش‌بینی و ایجاد کرد.

وی افزود: ده‌ها میلیون هموطن ایرانی در سرزمینی پهناور از خدمات متنوع و متعددی که در مجموعه پالایش و پخش جریان دارد بهره‌مند می‌شوند. همکاران ما با تلاشی بی‌وقفه و در عین حال مخاطره‌آمیز، انرژی را در قالب روشنائی و گرما به خانه زنی سالمند در روستایی دورافتاده و یا خانواده‌ای بهره‌مند از رفاه نسبی در تهران و یا در کلان‌شهرهای دیگر انتقال می‌دهند و این در حالی است که پیش‌تر، دستانی پرتوان نفت خام را از اعماق سرد و تاریک زمین استخراج کرده و با هدف استحصال در شبکه‌ای گسترده به طول بیش از ۱۵ هزار کیلومتر خطوط لوله جاری و به سوی پالایشگاه‌ها روان کرده است.

مدیرعامل خطوط لوله و مخابرات، تقدیر از خانواده‌های بازنشستگان را یک ضرورت خواند و گفت: تجلیل از همکاران بازنشسته پالایش و پخش هنگامی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که با تقدیر شایسته از خانواده‌های این بزرگواران همراه و در آمیخته باشد.

ماهیت کار در پالایشگاه‌ها و مراکز پخش فرآورده‌های نفتی و خطوط لوله و مخابرات به گونه‌ای است که اگر خانواده همراهی نکند، امکان



تجلیل از بازنشسته‌ها تقدیر از خانواده‌ها

مدیرعامل شرکت خطوط لوله و مخابرات در آغاز از لزوم حضور خانواده‌های معزز شهدا و ایثارگران در جشن تقدیر از بازنشستگان پالایش و پخش یاد کرد: صنعت نفت یک وزیر سیجی دارد و ۱۵۰۰ شهید و هزاران ایثارگر که همگی فرهنگ ارزشمند ایثار و شهادت را در نقاط گوناگون ایران ترویج می‌کنند و بهتر است مراسم تجلیل از بازنشستگان پالایش و پخش را با قدوم این خانواده‌های معزز، معطر سازیم و از این پس خانواده‌های ایثارگر را هم به جشن تجلیل دعوت کنیم.

مهندس ایزدی گفت: میانگین سال‌های خدمت بازنشستگانی که امشب مورد تقدیر قرار می‌گیرند ۳۵ سال است. شاید این موضوع ساده به نظر آید اما حکایت از این واقعیت دارد که یک خانواده، در منطقه‌ای دورافتاده و محروم و به ظن قوی بدآب و هوا، ۳۵ سال از بهترین ایام عمر را سپری کرده و بعد به دوران بازنشستگی رسیده است. این پرسش همواره وجود دارد که چگونه می‌توان از این انسان‌ها و خانواده‌های شریف تقدیر به عمل آورد؟



بازگشت و در مناطق نفت خیز به خدمت ادامه داد. به مدت ۶ سال در مناطقی چون سیستان و بلوچستان، چابهار، بندرعباس، کرمان، بندرلنگه و... خدمت کرد و سپس به تهران انتقال یافت و مسؤولیت معاونت اداره کل مالی پخش را برعهده گرفت. می گوید: در گیرودار پیروزی انقلاب اسلامی، نقدینگی روزانه جایگاه های تهران در چند مورد به سرقت رفت. در آن شرایط چاره ای نبود جز این که همکاران باترفندهای مختلف، درآمد جایگاه ها را در پایان هر روز به خانه ببرند، زیر بالش پنهان کنند و روز بعد به بانک بسپارند!

آقای سهرابی در دو سال پایان خدمت معاون اداری-مالی و حقوقی پخش بود و در سال ۵۹ با همین سمت به افتخار بازنشستگی نایل آمد.

حلب های شناور

یکی از خاطرات آقای سهرابی به گذشته های دور مربوط می شود: «آن وقت ها نفت و بنزین را باحلب حمل می کردند و می فروختند. یک شناور در حلب ها را نزدیک ساحل رها می کرد و عده ای کارگر آن ها را از آب می گرفتند و به ساحل می آوردند. یک بار همراه یک مهندس جوان به بندرعباس مأمور شدیم. در آن چند روز، آقای مهندس جزر و مد دریا را اندازه می گرفت تا بهترین و مناسب ترین زمان برای شناور شدن حلب ها بر روی امواج دریا را محاسبه و مشخص کند. این کار ساعت ها در هوای گرم و شرعی و زیر نور شدید آفتاب طول می کشید اما شرایط نامطلوب سبب نمی شد کار به درستی انجام نشود. نفت صنعت بزرگی بود و ویژگی هایی داشت که در صنایع دیگر یافت نمی شد. کارکنان این صنعت هم دلبسته آن بودند و با حساسیت از آن یاد می کردند. من به نفتی بودن افتخار می کردم و امروز هم با گذشت بیش از ۳۰ سال از بازنشستگی، دلم با نفت است.

حس مثبت فرمانده

رییس امور کارکنان شرکت ملی پالایش و پخش، سخنان خود را با برشمردن دلایل حضور بازنشستگان در گردهمایی سالانه بازنشستگان ساکن تهران آغاز کرد و گفت سالمندترین بازنشسته در اولین گردهمایی مرحوم دزفولی ۱۰۵ ساله بود که سال ۱۳۳۶ به افتخار بازنشستگی نایل آمد و آخرین سمت او رییس تدارکات پالایشگاه آبادان بود.

استنباط من - زمانی که ایشان را دیدم - این بود که یک حس مثبت به نفت در درون وی وجود دارد که به پاهای کم توان او فرمان می دهد در این مراسم خاص شرکت کند.

آقایابار افزود: وقتی بازنشسته می شویم، شرکت برخی از امکاناتی را که در اختیار ما گذاشته بود بازپس می گیرد اما نه شرکت و نه هیچ عامل دیگری نمی تواند خاطرات دوران خدمت را از ما بگیرد و همین خاطرات و آدم ها هستند که ما و خانواده های ما را به این مجلس کشانده است.

وی از مدیران و مسؤولان خواست رویکردی انسان محور به کارکنان داشته باشند: به طور معمول در اداره از کارکنان می پرسیم: آن نامه چه شد؟ آن پروژه به کجا رسید؟ آن بخشنامه را ابلاغ کردید؟ آن مأموریت انجام شد؟ و...

اما کمتر پیش می آید بپرسیم: حال فرزندت که بیمار شده بود چطور است؟ آیا مشکل مالی ات رفع شد؟ آیا هزینه نام نویسی پسر ترا فراهم کردی؟ آیا برای دخترت چیزی به خریدی؟ و...

سال ۵۶ محبت، سال ۸۶ رأی مثبت!
آقایابار یادآور شد: یادم می آید زمانی در پتروشیمی یک نظرخواهی از کارکنان برای انتخاب مدیر و چهره ماندگار انجام شد و کارکنان با اکثریت آرا مهندس شعری مقدم را که رییس منطقه بود انتخاب کردند. همه می دانیم اودر تحولات بزرگ پتروشیمی و در طراحی و شکل گیری چند مجتمع پتروشیمی نقشی تعیین کننده داشت اما همکاران به این دلایل او را انتخاب نکرده بودند. مهندس شعری مقدم در سال ۵۶ به شماری از کارکنان محبت کرده و وضعیت آنان را جویا شده بود و عده ای دیگر نیز با همراهی و مساعدت او برمشکلاتشان فائق آمده بودند و همین عده از او چهره ماندگار آفریدند، دقت کنید! سال ۵۶ محبت، سال ۸۶ رأی مثبت!

خداوند همه ما را به گونه ای آفریده که خانه سازمانی، ماشین و امکانات دیگر را از یاد می بریم اما خاطرات و احساساتی را که نفت در ما ایجاد کرده فراموش نمی کنیم.

هنوز خود را نفتی نمی دانم

رییس امور کارکنان پالایش و پخش یادآور شد: همیشه به نفتی بودنم بالیده ام. پدربزرگم سال

۱۳۰۸ استخدام شد و پدرم سال ۱۳۱۷ به صنعت نفت پیوست. باین همه هنوز خود را نفتی نمی دانم چرا که باور دارم قدیمی ترها بودند که با سختی ها از مسیر ناهموار گذشتند و نفت را به یکصدسالگی رساندند. خود را مدیون این صنعت و پیشکسوتان و نخبگان می دانم و برگزاری این مراسم نیز برای ادای بخشی از این دین است. امیدوارم امشب نیز به خاطره بدل شود.

گفت و گو

فرصت گفت و گو با میهمانان جشن تقدیر از بازنشستگان پالایش و پخش ساکن در تهران دقایقی پیش از شام فراهم آمد.

خانواده های بازنشستگان ضمن پاسخگویی به پرسش های «زندگی نو»، خواهان انتشار اخبار تازه از افزایش امکانات رفاهی و تسهیلات درمانی شدند و گفتند اجرای طرح ها و برنامه های مربوط به بازنشستگان باید با شتاب همراه باشد. خانواده ها افزایش وام مسکن و برقراری وام تبدیل به احسن را از اقدام های شاخص صندوق در سال جاری دانستند و ضمن تشکر و تقدیر، یادآور شدند: بازنشسته باید احترام و منزلت داشته باشد و هرگونه افزایش مالی باید با احترام و منزلت همراه باشد.

غرور و خاطره

امیر اشعری با ۳۰ سال خاطره در خطوط لوله و مخابرات، جشن تجلیل از بازنشستگان ساکن تهران را غرور آفرین و خاطره انگیز می داند و از دیدار دوستان و همکاران قدیمی در این گردهمایی خوشحال و هیجان زده است.

تجدید دیدار

مجید مجیدی دارای ۳۰ سال و ۳ ماه پیشینه خدمت در امور اداری است. افتتاح انبار نفت ری و ماجرای ریزش سقف کاذب آن، مضمون



خاطره ای است که آقای مجیدی بازمی گوید. او دو پسر مهندس و دو دختر لیسانسیه دارد و با گویش شیرین آذری از همکارانی که شب های پر از خاطره و تجدید دیدار می آفرینند تشکر می کند.

شب شادی ها

هوشنگ فریدی ۱۳ سال در جزیره خارگ، ۱۷ سال در پالایشگاه تهران و ۷ سال در شیراز خدمت کرده و جشن تقدیر از شب شادی ها توصیف می کند چرا که دوستان و همکاران پس از سال ها یکدیگر را می بینند و از ته دل شاد می شوند. او و همسرش «زندگی نو» را می خوانند و با آن به آرامش می رسند.



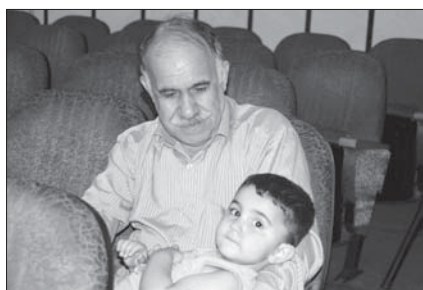
عاشق نفت

همسر آقای فریدی می گوید بعضی وقت ها هوشنگ دو شب متوالی برای نوبت کاری در محل کارش می ماند. من با سه فرزند در شهر غریب نگران می شدم و گریه را سرمی دادم. با این همه، عاشق نفتیم. هرچه داریم از نفت است و امشب هم شب نفت است.



دیدار یاران

ستار سمیعی زنوز از دیدار یاران بیش از هر چیز دیگر شادمان است. او سال ۵۲ به صنعت نفت تهران سرگرم خدمت شد. چندسالی هم به پالایشگاه تبریز رفت و در سال ۸۶ به افتخار بازنشستگی نایل شد. می گوید بازنشستگی فرصتی برای استراحت، رسیدگی به کارهای ناتمام و پرداختن به علایق و زندگی تازه است.



جشن رمضان در باشگاه شماره یک

الکت بر سر سفره افطار



محیط کار همسر، تا چه حد موجب دلگرمی و پشتکار آن‌ها می‌شود و این دلگرمی به پیشبرد اهداف سازمان کمک می‌کند، بنابراین علی‌رغم محدودیت‌هایی که وجود دارد سعی می‌کنیم امکان همراهی خانواده‌ها را در این گونه مراسم فراهم آوریم. وی در پایان مراسم نیز ضمن تشکر از برگزارکنندگان این مراسم و باقدردانی از حضور همکاران با آنان خداحافظی کرد.

وی در ادامه افزود: نگاه من به وظیفه‌ای که برعهده دارم این است که در مقابل ولی نعمتانی قرار گرفته‌ام که باید با عشق و علاقه به آن‌ها خدمت کنم و تلاش می‌کنم با جدیت و علاقه و عشق وافر این وظیفه را به انجام برسانم. رییس هیأت رییسه صندوق‌ها حضور خانواده همکاران را در کنار یکدیگر موجب دلگرمی خواند و گفت: باید این نکته را در نظر داشته باشیم که رضایت خانواده از

شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی در دهمین روز از روزهای مبارک ماه رمضان میزبان کارکنان صندوق بازنشستگی بود. در این افطاری که در باشگاه شماره یک ترتیب یافته بود دکتر علی احمدی رییس هیأت رییسه صندوق‌های بازنشستگی، مسؤولان صندوق و صدها نفر از خانواده کارکنان صنعت نفت حضور یافتند و پس از اقامه نماز مغرب و عشاء، روزه گشودند. دکتر علی احمدی به عنوان میزبان این ضیافت به تک‌تک میهمانان خوشامد گفت و برای آنان آرزوی توفیق در این ماه عزیز کرد. وی این مراسم را فرصتی برای سپاسگزاری از همکاران دانست و افزود: گرد آمدن همکاران در کنار یکدیگر موجب الفت می‌شود. وقتی همکاران ببینند از زحماتشان قدردانی می‌شود بالنگیزه و اشتیاق بیشتری به انجام فعالیت می‌پردازند، برگزاری این گونه مراسم در واقع عمل کردن به مصداق این آیه شریف است که می‌گوید شکر نعمت‌ها، آن‌ها را افزون می‌کند.

پرداخت «بن» نقدی
نیمه اول سال ۸۹

بن نقدی نیمه اول سال ۱۳۸۹ پرداخت می‌شود. امور مالی و پشتیبانی صندوق بازنشستگی دستور پرداخت بن مذکور را به میزان یک میلیون و سیصد هزار ریال، همراه با مستمری شهریور ماه صادر کرده است.

خاطره در خاطره



ناصر نودری ۳۹ سال خدمت به صنعت نفت را در پرونده کاری خود دارد. می‌گوید امشب شب خوب و خاطره‌انگیزی است، دست برگزارکنندگان گردهمایی

و جشن تقدیر درد نکند. اما چه زیباست وقتی که گزارش چنین جشن‌هایی را در نشریه «زندگی‌نو» نو می‌خوانیم و خاطره در خاطره تکرار می‌شود. امیدوارم مشکل پستی شما به طور کامل رفع شود تا «زندگی‌نو» رابه طور منظم و مرتب داشته باشیم. امشب بادیدار دوستان، اطلاعات مربوط به نشانی خانه، شماره تلفن، تعداد بچه‌ها و نوه‌ها، اخبار مربوط به دوستان مشترک و... به روز شد و روحیه‌ها ارتقا پیدا کرد. از «زندگی‌نو» تشکر می‌کنیم.

بهترین درسی که از دوران اسارت آموختم



سعید اسماعیلی متولد ۲۲ شهریور ۱۳۴۵ در شهرستان شاهرود استان سمنان است.

وی در سال ۶۶ پس از پایان تحصیلات متوسطه به خدمت سربازی اعزام و در منطقه نفت شهر استان ایلام سرگرم خدمت شد. وی چند روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران و پیش از عملیات مرصاد در حالی که مسؤولیت حفاظت از تأسیسات نفتی را برعهده داشت در تاریخ ۶۷/۴/۳۱ به اسارت درآمد و به عنوان موقوف‌الآخر به اردوگاهی در تکریت (زادگاه دیکتاتور عراق) انتقال یافت و پس از ۲۷ ماه رویارویی با مصائب گوناگون اسارت، در آخرین روز تبادل اسیران ایرانی و عراقی به آغوش وطن بازگشت. در سالروز بازگشت آزادگان به میهن (۲۶ مردادماه) با آقای اسماعیلی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم تا ضمن گرمی‌داشتن این روز تاریخی، فرصتی را برای مرور خاطرات ارزشمند وی فراهم کرده باشیم. این آزاده سرافراز از بازگشت به شهر و دیار و خانه و خانواده خود این گونه یاد می‌کند: نام و مشخصات من و چند تن دیگر در روزهای پایانی اسارت در آمار صلیب سرخ درج شد و خانواده و دوستان گمان می‌کردند توفیق شهادت نصیب شده است. تنها کسی که امید بازگشت مرا در دل می‌پروراند، مادرم بود.

من پس از ورود به شاهرود در حالی که بر اثر سوءتغذیه و فشارهای روحی - روانی دوران اسارت اندامی لاغر و تکیده داشتم در استانداری مستقر شدم و سپس با استقبال گرم خانواده و دوستان و آشنایان به خانه پدری رفتم.

وی می‌افزاید: در زمستان سال ۶۹ به استخدام شرکت ملی گاز درآمد و در منطقه ۴ گاز مشهد سرگرم خدمت شدم. در سال ۷۳ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدم و همزمان به تهران انتقال یافتیم. از آن پس به تناوب با عناوین: مسؤول خدمات حقوقی، مسؤول پیمان‌ها، و... در شرکت‌های زیر پوشش گاز خدمت کردم.

در سال ۸۸ به صندوق بازنشستگی پیوستم و با سمت کارشناس ارشد دعاوی در امور حقوقی به خدمت ادامه دادم.

آقای اسماعیلی خدمت در صندوق را مایه مباهات می‌داند: خدا را شاکرم که پس از دو دهه خدمت و تجربه‌اندوزی در بخش‌های مختلف،

در خدمت فرهیختگان، نخبگان و پیشکسوتان صنعت نفت هستم و به این موضوع افتخار می‌کنم. خدمت صادقانه و انجام کارها به بهترین و کامل‌ترین شکل ممکن، درسی است که از اسارات آموختم و حالا که مخدومان من از بهترین و محترم‌ترین افراد جامعه هستند؛ احساس می‌کنم باید با دقت و حساسیت بیشتری وظایفم را انجام دهم و بیش از پیش مراقب رفتار و کردار خود باشم.

در تابستان سال ۷۶ ازدواج کردم که ثمره آن دو دختر به نام‌های پرستو و سحر است. شایان ذکر است که به مناسبت بزرگداشت روز ۲۶ مرداد ۶۹ و بازگشت آزادگان سرفراز و رزمندگان سلحشور دفاع مقدس به آغوش میهن و همزمانی آن با ایام باشکوه و معنوی و معطر به نفحات انسی ماه مبارک رمضان، رییس هیأت رییسه صندوق بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت با اهدای لوح تقدیر، مراتب ایثار و پایمردی خالصانه آزاده سرفراز سعید اسماعیلی کارشناس ارشد امور حقوقی صندوق بازنشستگی قدردانی به عمل آورد.

دکتر علیرضا علی‌احمدی در این تقدیرنامه تداوم و استواری پیمودن طریق عزت و اقتدار میهن اسلامی و اعتدالی آرمان شهیدان را مورد تأکید قرار داده و برای آزاده نستوه، آرزوی تندرستی و پیروزی کرده است.

فصل تازه



علی اخباری باروقی بی‌درنگ پس از بازنشستگی، شرکتی تأسیس کرده و کار را به شکلی دیگر از سر گرفته است. می‌گوید هنوز

درک درست و کاملی از بازنشستگی و عواطف و احساسات مرتبط با آن ندارم اما این میهمانی ساده و صمیمانه می‌تواند آثار مثبت و سازنده فراوانی داشته باشد و به انسجام و وابستگی همکاران کمک کند. نکته مهم این است که مدیران و مسؤولان ارشد پالایش و پخش خطوط لوله با حضور خود و ایراد سخنرانی، ثابت کردند که به بازنشستگان بها می‌دهند و این حرکت ارزشمندی است. همسر آقای اخباری بازنشستگی را به همسرش تبریک می‌گوید و می‌افزاید: حس بدی به بازنشستگی ندارم چرا که نفت را دوست دارم. این فصل تازه‌ای از زندگی است که مشخصات خود را دارد و نباید انتظار داشته باشیم شبیه فصل‌های دیگر باشد. رنگ‌آمیزی این فصل با خود ماست. می‌تواند شبیه بهار و همیشه سبز باشد؛ یا همانند پاییز. می‌تواند خاکستری مثل زمستان باشد یا گرم مانند تابستان. به هر حال فصل بازنشستگی است و باید خوب و قشنگ باشد.





نگاهی به برخی یافته‌های پژوهشی پیرامون سالمندان، بازنشستگان و نیازهای اصلی آنان

مهم‌ترین نیازهای بازنشستگان و سالمندان ایران در حال حاضر به ترتیب نبود حقوق کافی برای تامین هزینه فرآیندهای زندگی، تامین هزینه‌های درمانی و تحمل بیماری‌های گوناگون به خاطر نبود درآمد کافی، نداشتن وسیله نقلیه، تنهایی و نداشتن مصاحب، اختلاف‌های خانوادگی و عدم برخورداری از تفریحات مناسب است

تومان در سال بوده است. هرچند با اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری سطح این حقوق‌ها شاید به میزان ۶۰ تا ۷۰ درصد افزایش یافته باشد اما باید توجه داشت که میزان تورم ظرف سال‌های گذشته رشد شتابانی داشته است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از مجموع ۱۵۰ فرد سالمند بازنشسته مورد مطالعه (۷۷ نفر زن و ۷۳ نفر مرد) که نیمی تحت پوشش تامین اجتماعی و نیمی دیگر وابسته به صندوق بازنشستگی کشوری بوده‌اند (۴۶ درصد، از مشکلات قلبی و عروقی، حدود ۲۰ درصد از مشکلات بینایی و شنوایی، بیش از ۳۳ درصد از مشکلات عضلانی، ۱۴ درصد از مشکلات گوارشی، ۸ درصد از مشکلات ریوی و تنگی نفس و آسم، حدود ۵ درصد از انواع سرطان، حدود ۵/۵ درصد از مشکلات سوخت و سازی (متابولیک) ۳/۳ درصد از مشکلات کلیوی و مجاری ادرار و بیش از ۷ درصد از مشکلات روحی و روانی رنج می‌برده‌اند.

با استناد به این پژوهش، مهم‌ترین نیازهای بازنشستگان و سالمندان ایران در حال حاضر به ترتیب نبود حقوق کافی برای تامین هزینه فرآیندهای زندگی، تامین هزینه‌های درمانی و تحمل بیماری‌های گوناگون به خاطر نبود درآمد کافی، نداشتن وسیله نقلیه، تنهایی و نداشتن مصاحب، اختلاف‌های خانوادگی و عدم برخورداری از تفریحات مناسب است.

یکی دیگر از معضلات قشر سالمند و بازنشسته در ایران، نداشتن کار و فعالیت است که بتواند دست کم این افراد را سرگرم و بخشی از هزینه‌هایشان را جبران کند.

به گفته آسیب‌شناسان، با توجه به پیشینه فرهنگی ایرانی‌ها، افزایش رویکرد خانواده‌ها به خانه‌های سالمندان نگران‌کننده و نشان‌دهنده تاثیر عوامل گوناگون از جمله شرایط جدید زندگی است.

می‌کند که میانگین سن بازنشستگان در ایران ۶۸ سال است.

با نگاه به نتایج این پژوهش آنچه بیش از هر چیز دیگر مایه تاسف می‌شود، سطح پایین درآمد بازنشستگان ایرانی است. در سال ۸۶ میانگین حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی و بازنشستگان تحت پوشش سازمان بازنشستگی کشوری حدود ۲۵۴ هزار تومان و ۱۹۴ هزار

است.

بیشتر سالمندان بازنشسته از بعد نیروی انسانی، افرادی با تجربه و دارای تخصص‌های ویژه هستند اما سازمان‌های مسؤول، به سادگی این ویژگی‌ها را نادیده می‌گیرند و از کنار آن می‌گذرند.

پژوهش تازه‌ای که در مورد بازنشستگان و سالمندان صورت گرفته است حکایت از آن

سال‌هایی نه چندان دور، پدیده سالمندی تنها در کشورهای پیشرفته غرب یک ویژگی مهم جمعیتی محسوب می‌شد، اما امروز در کشورهای در حال توسعه نیز سالمندی و سالمندان به عنوان یک مشخصه مهم در ساختار جمعیتی به حساب می‌آید.

عواملی که باعث افزایش جمعیت سالمندان در جامعه جهانی شده روشن و شناخته شده است. مهم‌ترین این عوامل، کاهش مرگ و میر در میان گروه‌های سنی از جمله سالمندان است.

البته جامعه سالمندان در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه هنوز از نظر کمیت و کیفیت زندگی و امکانات رفاهی، تفاوت زیادی با یکدیگر دارند، اما کاهش فاصله جمعیت سالمندان در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه ظرف یکی دو دهه آینده قطعی است و می‌توان گفت سالمندی در آینده نزدیک به ویژگی جمعیتی تمام کشورهای جهان تبدیل خواهد شد. گو این که عمر سازمان‌هایی مانند تامین اجتماعی و سامانه‌های بازنشستگی در جهان و به صورت امروزی آن هنوز به یک قرن نرسیده است، اما طی این مدت، سازمان‌های مورد اشاره پیشرفت مطلوبی داشته و با همه کاستی‌های موجود تنها نهادهایی محسوب می‌شوند که متولی حمایت از قشر سالمند و بازنشسته هستند.

تغییرات چشمگیر جسمی و روانی در افراد سالمند که مهم‌ترین آنها تحلیل قوا و کاهش توانایی، بازنشستگی و تحول در نگرش اطرافیان است، سالمندان و بازنشستگان را با انتظارات و نیازهای تازه‌تری روبه رو می‌سازد که برآورده نشدن آن‌ها می‌تواند تهدید جدی برای این قشر از افراد تلقی شود.

به ویژه آن که تاب آوردن در برابر معضلات و تحمل دشواری‌ها و سختی‌ها در دوران سالمندی به مراتب کمتر از میانسالی و جوانی

زنان ایرانی بیشتر از مردان عمر می‌کنند

و ۷۴۶ پسر، ۶۰۳ هزار و ۵۱۳ دختر متولد شده‌اند. مرکز پژوهش‌های ایران شایع‌ترین علل مرگ مردان ایرانی نسبت به زنان را بیماری‌های قلبی عنوان کرده است. طبق بررسی‌های انجام شده، فشار خون بالا، کلسترول، اضافه وزن، عدم تحرک، مصرف ناکافی سبزی و میوه و مصرف دخانیات به ترتیب نقش بیشتری در ابتلا به بیماری‌های قلبی داشته‌اند. از دیگر علل مرگ و میر در ایران انواع بیماری‌ها و سرطان است. شایع‌ترین سرطان در مردان ایرانی سرطان پوست و سپس سرطان معده، مثانه، پروستات، روده، مری، خون و ریه است. در حالی که در آمریکا و اروپا شایع‌ترین سرطان در مردان، سرطان ریه، پروستات و روده است.



براساس اطلاعات معاونت آمار و انفورماتیک سازمان ثبت احوال کل کشور، در ازای هر یکصد زن، ۱۲۲ مرد در سال ۱۳۸۸ فوت کرده‌اند که مهم‌ترین دلیل مرگ آن‌ها، سکته قلبی بوده است. به گزارش سازمان ثبت احوال، در سال گذشته ۳۵۹ هزار و ۷۲۳ واقعه فوت ثبت شده که نسبت به سال ۱۳۸۷ حدود ۶/۵ درصد کاهش داشته است. همچنین نسبت جنسی فوت شده‌ها ۱۲۲ مرد در مقابل یکصد زن بوده که نسبت به مدت مشابه در سال پیش از آن، پنج نفر در گروه مردان افزایش یافته است. در این سال، نسبت جنسی تولد در پسران نیز بالاتر از دختران بوده است. یعنی در ازای ۱۰۶ پسر، صد نوزاد دختر متولد شده‌اند. به شکلی که در سال گذشته در مقابل ۶۳۶ هزار

گزارشی از روند افزایش امید به زندگی در شرق آسیا

سالمندان چشم بادامی، خاک به چشم پیری می‌باشند

میلادی -۶۵ نفر از هر ۱۰۰ نفر نیروی انسانی فعال در این کشور را سالمندان تشکیل دهند.

به گزارش پایگاه اینترنتی "اچ. آی. جی. ریسرچ" بیانیه بانک مرکزی کره جنوبی نشان‌دهنده شتاب و سرعت روند پیر شدن جمعیت این کشور است و دولت باید تمهیدات لازم را در این زمینه اتخاذ کند.

بانک مرکزی کره جنوبی به نقل از سازمان همکاری و توسعه اقتصادی "او. ای. سی. دی" یادآور شده است تا سال ۲۰۵۰ میلادی، سالمندان یا گروه سنی ۶۵ سال و بالاتر، ۶۵/۶ درصد جمعیت این کشور را تشکیل خواهند داد و این به معنای آن است که از هر ۱۰۰ نفر جمعیت کره جنوبی بیش ۶۵ نفر سالمند هستند.

در سال ۲۰۰۰ میلادی ۱۱/۲ درصد جمعیت کره جنوبی را سالمندان تشکیل می‌دادند. این کشور پس از ژاپن در میان کشورهای عضو "او. ای. سی. دی" بالاترین افزایش نرخ جمعیت سالمندان را دارد.

سالمندان ژاپن ظرف ۴۰ سال آینده ۶۷ درصد جمعیت کشور را تشکیل خواهند داد.



متناسب با طولانی شدن عمر تغییر کند و در واقع افراد دیرتر از کار بازنشسته شوند.

کره جنوبی

در تصرف سالمندان!

بانک مرکزی کره جنوبی اعلام کرد انتظار می‌رود ظرف ۴۰ سال آینده -سال ۲۰۵۰

چنانکه دانشگاه‌ها نمی‌توانند به اندازه ظرفیت و آمادگی خود دانشجو بگیرند و بازار کار هم با کمبود نیروی کار به ویژه در رشته‌های مورد نیاز، روبه‌رو است. از سوی دیگر، کسانی می‌گویند با نابسامانی نظام تأمین اجتماعی رغبتی به فرزنددار شدن ندارند و کسانی هم عقیده دارند برنامه‌ریزی و گذران زندگی باید

سالمندان چین ۲۰۰ میلیون نفر!

برآوردهای سازمان ملل حاکی است که جمعیت سالمندان یا شمار افراد ۶۵ سال به بالا در جمهوری خلق چین به حدود ۱۱۰ میلیون نفر رسیده است. سازمان ملل جمعیت چین را در پایان همین سال حدود ۱/۵ میلیارد نفر برآورد کرده است. کمیته ملی سالمندان چین پیش‌بینی کرده است جمعیت سالمندان تا ۳ سال دیگر به ۲۰۰ میلیون نفر خواهد رسید.

پیرسالی جمعیت

در ژاپن

میانگین مولید در خانواده‌های ژاپنی که تا چند دهه پیش به ۴/۵۴ رسیده بود، اکنون به کم‌تر از ۲ و در نواحی مختلف به تفاوت از ۱/۷۹ (در یوکوهاما) تا ۱/۰۹ (در توکیو) رسیده است. کارشناسان این موضوع را نشانه بحران جمعیت می‌دانند و می‌گویند تا هنگامی که امید مردم به آینده بیشتر و دشواری‌ها و هزینه‌های نگهداری فرزند کم‌تر نشود بهبودی در وضع پیدا نخواهد شد. با به ثمر رسیدن نسل آخرین دوره افزایش مولید (boom baby) که در سال‌های پس از جنگ به دنیا آمده است، دشواری‌ها یکی پس از دیگری چهره می‌نماید.



سالمندان و پدیده مهاجرت

آنچه مردم را و می‌دارد به‌رغم همه دشواری‌ها تا تن به مهاجرت دهند، بی‌تردید دستیابی به یک زندگی بهتر توأم با آسایش و امنیت است.

مهاجرت مانند هر پدیده دیگر اجتماعی ویژگی‌های مثبت و منفی بسیار دارد. از جمله این که ساختار ذهنی فرد را به هم می‌ریزد. ندانستن زبان جامعه میزبان، از قدرت جافتادگی افراد سالمند در جامعه یا کشور جدید می‌کاهد.

در مقایسه با جوانان و میانسالان، برای انطباق با چارچوب‌های فرهنگی جدید دشواری بیشتری گریبانگیر سالمندان می‌شود.

فقدان توان و مهارت برای انطباق با چارچوب‌های فرهنگی و یادگیری آنها، جافتادگی سالمندان را در فضای جدید فرهنگی بسیار دشوار می‌سازد.

سالمندان اغلب گذشته‌گرا و به اصطلاح امروزی "نوستالژیک" هستند و به خاطرات گذشته بیش از تحقق آرزوهای آینده اهمیت می‌دهند در حالی که یکی از تعاریف یا معانی واقعی مهاجرت "بریدن از

جابه‌جایی دیده می‌شود. زیرا رها کردن چارچوب‌های آشنایی که به فرد احساس امنیت می‌دهد در هیچ سنی؛ به ویژه در سنین سالمندی آسان نیست و هزینه‌های متعددی را می‌تواند به بار آورد که برای سالمندان در مقایسه با گروه‌های سنی پایین‌تر، بیشتر و بالاتر است.

احساس تنهایی در جوامع غربی، مساله شگفت‌آوری نیست و افراد برای تنها گذاشتن والدین خود سرزنش نمی‌شوند.

در نظرخواهی صورت گرفته در آمریکا تنها ۵ درصد از شرکت کنندگان آمادگی خود را برای زندگی کردن در کنار پدر و مادر پیر و بیمارشان ابراز داشته و ۹۵ درصد تصریح کرده‌اند که والدین بیمار را به مراکز نگهداری سالمندان می‌سپارند. در حالی که ۷۰ درصد از مراجع شونده‌گان ژاپنی اذعان داشته‌اند در هر شرایطی در کنار پدر و مادر پیر خود خواهند بود.

با توجه به تناقضات و تفاوت‌های فرهنگی است که نمی‌توان به صراحت مهاجرت سالمندان را حتی در شرایط سخت، امری درست دانست.

دست به مهاجرت می‌زنند و یا به دنبال فرزندان شان ناچار به ترک دیار خود می‌شوند که در هر دو صورت سالمند احساس می‌کند از روی میل و رغبت تصمیم به مهاجرت نگرفته است. در افراد سالمند کمتر میل به تغییر و

گذشته‌ای است که شکل دهنده و تعریف کننده زندگی فرد بوده است. "بریدن از این گذشته می‌تواند بی‌معنایی و بی‌هویتی به‌بار آورد که حاصل مهاجرت را منفی می‌سازد. البته دلایل مهاجرت سالمندان محدود است. آنان یا به دلیل شرایط ناگوار و فشار اجتماعی

در جهان سالمندان

رکوردداران طول عمر در جهان

سن ۱۱۶ سالگی از سلامت کامل برخوردار بود. به تماشای تلویزیون می‌نشست، روزنامه می‌خواند و بدون کمک گرفتن از عصا راه می‌رفت. از ماه مارس به بعد بود که رفته‌رفته سلامت خود را از دست داد و دیگر قادر به خواندن روزنامه نبود، قدرت تکلم را از دست داده و حرکت او به حداقل ممکن رسیده بود.

ماریا استرهدیادی کاپوویلا سرانجام در روز ۲۴ آگوست سال ۲۰۰۶ در حالی که فقط ۱۸ روز تا سالروز ۱۱۷ سالگی فاصله داشت، بر اثر ابتلا به ذات‌الریه درگذشت. او که در زمان مرگش پیرترین فرد جهان شناخته می‌شد، تنها انسانی بود که در سه قرن زندگی کرده بود.



ماریادی کاپوویلا
(Maria E.H. de capovilla)

ماریا استرهدیادی کاپوویلا روز چهارم سپتامبر سال ۱۸۸۹ در یک خانواده نظامی ثروتمند در اکوادور به دنیا آمد. پدرش سرهنگ ارتش و از زندگی اشرافی برخوردار بود.

ماریا با استفاده از ثروت و نفوذ پدر زندگی مرفه‌تری را می‌گذراند و در انواع رشته‌های هنری با حضور در کلاس‌های آموزشی گران‌قیمت ذوق‌آزمایی می‌کرد. این علاقه او را به پاره‌ای فعالیت‌های اجتماعی در ارتباط با هنر واداشت که موفقیت‌آمیز بود. دی کاپوویلا در طول عمر

خود هرگز سیگار نکشید و مشروب ننوشید و یکبار که در سن ۱۰۰ سالگی تا آستانه مرگ پیش رفت، به علت برخورداری از قدرت جسمانی بالا، سلامت خود را به سرعت بازیافت و تا ماه مارس ۲۰۰۶ در

نشان لیاقت برای دروازه‌بان ۹۰ ساله

کنم و آن را کاملاً از یاد برده بودم تا این که قرعه‌کشی این جام برگزار شد و بعد، تمام خاطرات را زنده کرد... همه در کشور فکر می‌کردند امکان ندارد آن‌ها بپرند، بنابراین شیوه‌ای که آن‌ها برای بازی انتخاب کردند، به‌طور کامل برایمان ناآشنا بود. به محض این که یکی از بازیکنان انگلیس توپ را می‌گرفت، همه بازیکنان آمریکا می‌رفتند جلوی دروازه‌شان. دروازه را نمی‌شد حتی از لابه‌لای پاهایشان دید.»



برت ویلیامز، دروازه‌بان سابق ولور همپتون که با این تیم قهرمان لیگ و جام حذفی انگلیس شده و ۲۴ بازی ملی انجام داده بود، در روز تولد ملکه انگلیس نشان لیاقت MBE دریافت کرد. طعن‌آمیز این که این خبر در روز بازی انگلیس و آمریکا منتشر شد، درحالی که در جام جهانی ۱۹۵۰ که انگلیس یک-صفر به آمریکا باخت، ویلیامز درون دروازه بود. او که اکنون ۹۰ سال دارد، گفت: «تلاش کردم که آن بازی را فراموش

گذری در محلات قدیمی

حکایت تهران قدیم و دروازه‌هایش



داشت که به میدان توپخانه باز می‌شدند. این دروازه‌ها عبارت بودند از دروازه ناصریه، دروازه آجری خیابان چراغ برق، دروازه باغشاه، سردر الماسیه (باب همایون) و چند دروازه آجری دیگر که خیابان لاله زار و علا الدوله را به میدان‌های شهر متصل می‌کرد. می‌گویند ارگ سلطنتی هم که با حصارهای بلند محدود و محصور بود، چهار دروازه داشت که یکی در مدخل باب عالی (همایون) و دیگری در انتهای میدانی که به دروازه نقاره‌خانه معروف بود، باز می‌شد.

کاشی‌های دروازه‌های تازه مثل کاشی‌های ۶ دروازه قدیم خیلی عالی و جالب نبودند، اما نقوش جالبی روی آن‌ها طراحی شده بود. نقش رستم و دیو سپید یا رستم و اسفندیار بخشی از این تصاویر را تشکیل می‌داد. دروازه‌ها عبارت بودند از: دروازه خراسان، دروازه حضرت عبدالعظیم، دروازه غار، دروازه گمرک، دروازه قزوین، دروازه بهجت آباد، دروازه دولت، دروازه شمیران، دروازه دوشان تپه و دروازه دولاب. علاوه بر این دروازه‌ها تعدادی دروازه دیگر نیز در داخل شهر قرار

بایتخت ایران از زمان حکومت فتحعلیشاه قاجار دارای دروازه شد. این حرکت در دوره ناصری نیز تکرار شد. ناصرالدین شاه دروازه‌ها را از ۶ به ۱۲ رساند تا نشان دهد که از پدر چیزی کم ندارد. «اوزن فلاندن» یکی از سیاحان معروف که در سال‌های ۱۲۸۱ و ۱۲۸۲ قمری به ایران آمده بود، نوشت: در طهران شش دروازه است که با کاشی‌های الوان تزئین گردیده است، بعضی از این دروازه‌ها قلعه کوچک دارند که دور آن‌ها خندقی کنده شده و این خندق در یکصد متری جلوی دیوارهای حصار قرار دارد. در دوره ناصری دروازه‌های تهران وضع بهتری پیدا کرد. ناصرالدین شاه که می‌خواست متفاوت‌تر از عقبه خویش باشد، دستور داد ۶ دروازه دیگر بر دروازه‌های شهر بیفزاید. دروازه‌های تازه با نقش و نمایی متفاوت در دارالخلافه طهران تاسیس شد. این دروازه‌ها از نظر کاشیکاری، کتیبه و ستون‌ها با دروازه‌های عصر فتحعلیشاه تفاوت زیادی داشت. آنگونه که نوشته‌اند

۶۶ قربانیان نفت

ماژور ایمبری Major Imbry

قسمت چهارم

دستگیری و حکومت نظامی در تهران

قتل ماژور ایمبری کنسولیاری آمریکایی در ایران که گفته می‌شد کارگزار شرکت نفتی آمریکایی «سینکالر» است به دنبال توطئه‌های مشترک بین شرکت نفت انگلیس و ایران و استاندارداوایل در روز جمعه ۲۶ تیرماه سال ۱۳۰۲ به وقوع پیوست. باتوجه به تعطیلی روز جمعه و گرمای هوا اکثر وزرا و دولتیان در شمیران به سر می‌بردند. اما با این همه به فاصله چند ساعت اخبار وحشت‌آور این تراژدی در بین مقامات منتشر و رأس ساعت ۸ صبح روز شنبه جلسه هیأت وزرا برای اتخاذ تدابیر لازم جهت مقابله با این واقعه دهشتناک تشکیل شد. هیأت وزرا در نخستین اقدام خود، حکومت نظامی در تهران و توابع اعلام و مسؤولیت اجرای آن را برعهده سرتیپ مرتضی‌خان قرارداد. ذکاءالملک فروغی وزیر امور خارجه ضمن حضور در جلسه روز شنبه ۲۹ تیر از طرف هیأت دولت دلایل اعلام حکومت نظامی را به سمع مجلسیان رساند. مرحوم آیتا...مدرس نماینده مجلس شورای ملی طی سخنانی ضمن ابراز تأسف از واقعه قتل ایمبری، گفت: اطمینان دارم که عموم ملت ایران از وقوع حادثه مزبور فوق‌العاده متأثرند زیرا ایران چه به حکم شرع انور و چه به احترام قانون اساسی و چه از روی سنن قدیمه خود همیشه میهمان‌نوازی و مهربانی نسبت به خارجی‌ان را شعار خود قرار داده و حتی در موقع انقلابات داخلی نیز حقوق و آزادی آن‌ها را رعایت کرده است. در روز واقعه، سیدحسین در حال فرار از اتاق بیمارستان و محل قتل ایمبری توسط سرتیپ درگاهی رییس شهرداری وقت که به همراه گروهانی از پلیس خود را به آنجا رسانده بود، دستگیر شد.



به دنبال این اقدامات و براساس تحقیقات به عمل آمده در شهرپانی، جمع کثیری نیز به عنوان محرکان و عاملان اصلی دستگیر و زندانی شدند، این افراد عبارت بودند از:
- حاتم خان گاریچی نخجوانی موتوسیکلت‌سوار.
- ابوالقاسم خان موتوسیکلت‌سوار دوم که در شبکه را متوقف کرد.

- سیدحسین پسر سیدموسی که محرک اصلی جمعیت بود و در نهایت نیز به همراه چند تن وارد اتاق عمل شده و ایمبری نیمه جان را به قتل رساند.
- غلامعلی سارق و ولگرد.
- مشهدی علی پسر اسدا... و رفیق غلامعلی.
- مرتضی نظامی از واحد نقلیه قشون مستقر در میدان مشق متهم به ایراد ضرب و جرح و فردی که نه ایمبری را می‌شناخت و نه خبر از توطئه داشت.
غیر از دستگیرشدگان مذکور، از مصطفی فاتح نیز به عنوان یکی از افراد مظنون در این حادثه نام برده می‌شود. او نیز توسط نیروهای پلیس بازداشت اما پس از سه روز اقامت در اتاق افسران کشیک آزاد شد. ضمن این که برای دستگیری فردی ژنده‌پوش که در قهوه‌خانه آب جوش بر سر ایمبری ریخت تلاش چندانی به عمل نیامد. حیرت‌انگیزتر این که به غیر از افرادی که اشاره شد از آشپز نصرت‌الدوله فیروز (پسر فرمانفرما) نیز به عنوان یکی از مظنونان نام برده شد. حضور او در نزدیکی محل واقعه به این سوءظن دامن زده بود و حتی در همان روزها نیز از زبان یکی از نزدیکان نصرت‌الدوله نقل می‌کردند که «اصولاً این واقعه را آشپز نصرت‌الدوله هدایت کرده است». بروز این شایعه منجر به اظهار نظری جالب از سوی یک خبرنگار غربی شد که در گزارش خود پیرامون این واقعه و مسایل حاشیه‌ای آن نوشت: دولت آمریکا باید در مناسبات خود با ایران نهایت دقت را به کار برده و مواظب باشد، در کشوری که حتی آشپز مردان سیاسی قادرند یک چنین شاهکار بزرگ دیپلماسی را به وجود آورند وای به حال سیاستمداران‌شان که لابد صد برابر از لحاظ هوش و درک سیاسی از نوکرهای خود بالاترند!

یادایام

روزهای
سخت جنگ

کریم زمانی خانی

جنگ دوم جهانی و شهریور ۱۳۲۰ زندگی را برای مردم آبادان سخت و کمبود گندم، نان و سایر مایحتاج ضروری خانواده‌ها نوعی قحطی ایجاد کرده بود. در آن شرایط، شرکت نفت نیاز خود را از میان افرادی که از شهرهای اطراف برای کار به آبادان می‌آمدند، تأمین می‌کرد.

در آن زمان، در ناحیه احمدآباد، پشت حصار فلزی و بلند اقامتگاه کارآموزان شرکت معروف به Hostel اقامت داشتیم. پدرم در پالایشگاه آبادان در یک واحد تولید فرآورده‌های نفت کار می‌کرد. ورود و خروج افراد از پالایشگاه به شدت کنترل می‌شد. برای کارکنان، کارت جیره تعیین شده بود.

جلو خانه ما فضای وسیعی قرار داشت که در آن، شرکت نفت یک نانوايي دایر کرده بود. نانوايي هفته‌ای چند روز در فاصله صبح تا ظهر نان می‌پخت. مردم مدت‌ها در صف‌های طولی می‌ایستادند تا چند عدد نان تهیه کنند و به خانه ببرند.

فقر و بیماری‌های گوناگون مزید بر علت شده بود. بهداشت در سطح ابتدایی بود. تنها در بیمارستان شرکت نفت امکانات کافی وجود داشت. بیماری سرخک و ابله در بین کودکان شیوع پیدا کرده بود و برای جلوگیری از شیوع بیشتر آن، شرکت نفت چند گروه بهداشتی متشکل از دو نفر هندی و یک وسیله نقلیه در روزهایی از هفته به در خانه‌ها در محله‌های شهر می‌فرستاد. آن‌ها از ساکنان خانه سؤال می‌کردند: «آیا در این‌جا بچه‌ای بیمار است؟ آیا سرخک دارد و یا ابله گرفته است؟» چنانچه جواب مثبت بود، پس از معاینه اولیه، بچه بیمار را با اصرار از خانواده خود جدا کرده و به بیمارستان شرکت نفت در ناحیه شیطی (خیلی دورتر از محوطه مخازن نفت بورده شمالی) و معروف به «قرنطینه آبادان» منتقل می‌کردند تا در آن‌جا بستری و مداوا شود. در مواردی بین مردم شایع می‌شد که بچه‌ای را که هندی‌ها برده‌اند دیگر به خانه برگشته است. به این ترتیب ترتیب خانواده‌ها سعی می‌کردند بچه‌های بیمار خود را پنهان و آن‌ها را در خانه‌های خود به روش سنتی درمان کنند. به این ترتیب به مأموران بهداشت شرکت نفت جواب منفی می‌دادند. چرا که نمی‌خواستند در آن شرایط سخت، خانه‌های خود را از شادی و بازی کودکان خود خالی نگه دارند و در اضطراب و نگرانی زندگی کنند.

سال ۶۷ به پالایشگاه شیراز منتقل شد و به عنوان تکنیسین ارشد برق به خدمت ادامه داد. سال ۶۹ به مدت یک سال به پالایشگاه آبادان مأمور شد و پس از بازسازی بخشی از برق این پالایشگاه به شیراز بازگشت. محمود سادولی در سال ۱۳۸۳ به افتخار بازنشستگی نایل آمد. وی پس از گذشت بیش از پنج سال از بازنشستگی و در آستانه آغاز پنجمین سال انتشار «زندگی نو»، میهمان ماست.

نقاشی، تلطیف زندگی

در طول سال‌های خدمت و به موازات انجام فعالیت‌های متنوع کاری، نقاشی همچنان بزرگ‌ترین عامل برای تلطیف زندگی من بود. آرامش از رسیدن قلم‌مو به بوم حاصل می‌شد و بازنشستگی، فرصت مناسبی بود برای جدی‌تر گرفتن نقاشی. به موازات تشکیل کلاس‌های خصوصی در طبقه دوم خانه، سه نمایشگاه در تالارهای آبگینه، اسکالش و صنوبر شیراز برگزار کردم که با اقبال هنردوستان روبه‌رو شد و بر دلگرمی من افزود. در مجموع بیش از ۷۰ تابلو دارم که شماری از آن‌ها را به رسم یادبود به دوستان و آشنایان هدیه داده‌ام و از این‌که به زعم آنان، زینت‌بخش یادها و خاطره‌های مشترک هستند به خود می‌بالم.

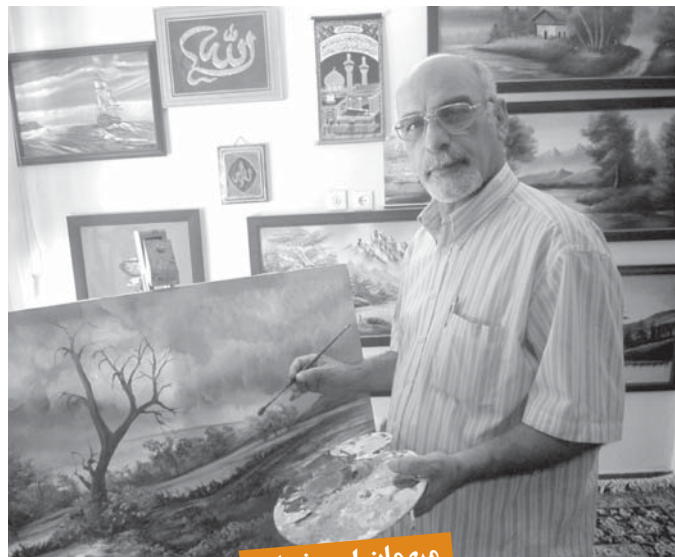
حکایتی دیگر

نقاشی به عنوان یک هنر فراگیر و مردمی، دوستداران خاص خود را در گروه‌های سنی مختلف دارد. اما پرداختن به نقش و نقاشی در ایام پیشکسوتی و پختگی، حکایت دیگری است. وقتی بی‌اعتنا به سن و سال، از سر عشق قلم‌مو برمی‌داری و نقاشی می‌آفرینی، یعنی این‌که هنر سن و سال نمی‌شناسد. هنر سرچشمه آفرینش است و حد و مرز ندارد.

از سوی دیگر انسان زمانی واقعا بازنشسته می‌شود که امید نداشته باشد. زندگی تا زمانی که زنده هستیم ادامه دارد و در هیچ شرایطی نمی‌توان آن را انکار کرد. زندگی واژه‌ای است که با تلاش‌ها و فعالیت‌های ما عینیت پیدا می‌کند و معنا می‌شود. بازنشستگان در زمان اشتغال با خدماتشان به جامعه سود می‌رسانند و در بازنشستگی با ارایه رهنمود و تجربه‌هایشان برای جامعه مفید واقع می‌شوند. بازنشستگان از جمله ذخایر ملی و سرمایه‌های ارزشمند معنوی کشور هستند و باید برای آرامش بخشیدن به روح و روان از وقت استفاده کنند. البته مشکلات مالی تنش و نگرانی به وجود می‌آورند اما همه زندگی نباید تحت‌الشعاع مادیات قرار گیرد. باید به آن‌چه داریم دلخوش باشیم و برای آن‌چه نداریم، حسرت نخوریم. به یاد داشته باشیم عاشق، هرگز پیر و بازنشسته نمی‌شود. هنر، آدمی را از بیهودگی و افسردگی دور می‌کند و عشق می‌تواند در هر کس و هر چیز متجلی شود؛ حتی در رسیدگی به باغچه‌ای کوچک.

نمونه ۸۷

انتخاب بنده به‌عنوان بازنشسته نمونه از سوی صندوق بازنشستگی در سال ۸۷ یک تصادف بود که آن را به فال نیک گرفتم و کوشیدم به راستی نمونه باشم. شاید گرایش من به نقاشی، برگزاری نمایشگاه و تدریس در دوره بازنشستگی سبب شده «نمونه» به شمار آیم. به اعتقاد من همه کارکنان نفت به ویژه آنان که چهار-پنج دهه در خدمت این صنعت بوده‌اند نمونه‌اند و با افتخار بر دستان پر مهرشان بوسه می‌زنم.



میهمان این شماره

بازنشستگی
نقشی نو بر «بوم» سفید نقاشی

بر بوم سفید نقاشی، طرحی از عشق، شعر، شور و شیدایی زده است. وارد کارگاه که می‌نشوی، همه چیز را زنده می‌بایی. رنگ‌ها با ظرافت و لطافت در هم آمیخته‌اند و جلوه‌هایی از طبیعت را با رعایت تعادل و توازن به نمایش گذاشته‌اند. هنرمند نقاش به «حقیقت» و «طبیعت» عشق می‌ورزد و به یاری رنگ‌هایی که «خدایی» می‌نامدشان، زندگی را با این مفاهیم درمی‌آمیزد. کارمند بازنشسته صنعت نفت، آسمان و ستاره‌ها و دریاها و کوه‌ها را نشانه‌هایی کوچک از خالقی بزرگ و سترگ می‌داند و با سبک رنگ روغن، با طبیعت که همان حقیقت است ارتباط برقرار می‌کند. محمود سادولی بازنشسته هنرمند صنعت نفت، فراغت از فعالیت‌های روزمره را به فال نیک گرفته و فرصت را برای رویکرد جدی‌تر به نقاشی، مغتنم شمرده است. آقای سادولی نیم نگاهی به همه سبک‌های متداول در نقاشی دارد اما نگاه ویژه و علاقه وافر او به رئالیسم برکسی پوشیده نیست. رویکرد جدی‌تر به نقاشی، حاصل همت هنرمند و حمایت خانواده اوست: «همسرم بازنشسته آموزش و پرورش و مشوق و مشاور خوب من است. دخترم تکنیسین اتاق عمل است و پسرم خود را برای ورود به دوره فوق لیسانس مهندسی شیمی آماده می‌کند. اگر امروز این بازنشسته صنعت افتخارآفرین نفت در عالم هنر نقاشی نام و نشانی دارد، از حمایت و تشویق آن سه عزیز است.»

معرفی

روستاها و خانه‌ها.
بعد مسوؤل ایمنی شد و به مأموران آموخت چگونه از پایه‌ها و پله‌ها بالا بروند و با سیم‌ها و مقرها و ترانس‌ها کار کنند و از گزند خطر مصون بمانند.

سال ۵۶ برق جدا شد و به نفت پیوست. به مدت دو سال در دانشگاه اهواز آموزش دید و با سامانه‌ای پیچیده‌تر از برق وزارت نیرو آشنا شد. همان‌جا به خود نهیب زد و عزم خود را جزم کرد تا همه نقشه‌های برق مربوط به کارخانه‌ها و تأسیسات نفت اهواز را فرا گیرد و فرا گرفت. در طول دوران دفاع مقدس تأسیسات و کارخانه‌های نفتی در اهواز پی‌درپی بمباران می‌شد اما آژیر سفید تمام نشده، کارکنان دلسوز و کوشا به ویرانه‌های آتش و دود هجوم می‌بردند و عاشقانه، همه چیز را از نو می‌ساختند و پی‌می‌افکندند. می‌گوید: «چه بزرگمردانی که خالص و مخلص در راه اعتلای این سرزمین از جان مایه گذاشتند و گذشتند. و چه همکاران نازنینی که در گیرودار بازسازی تأسیسات و کارخانه‌ها به فیض شهادت نایل آمدند و من نیز عضوی از این مجموعه بودم.»

سال ۱۳۲۸ در خانواده‌ای پرجمعیت به دنیا آمد. پدرش نقاش ساختمان بود و نخست بار او رمز و راز نقش و نقاشی را به فرزند یاد داد.

شیفته نقاشی بود و سرشار از استعداد. در مدرسه برای همکلاسی‌هایش نقاشی می‌کشید و در کوچه برای بچه‌های همسایه و بیش و پیش از این‌ها برای دلش. در هر حالت، از نقاشی لذت می‌برد و با آن، قد می‌کشید و بزرگ می‌شد. دنیای جوانی‌اش با نقاشی، فوتبال و درس و کتاب گذشت تا این‌که دیپلم گرفت و در آزمون سراسری شرکت کرد. واقعیت این بود که از راه نیافتن به دانشگاه بکه نخورد چرا که تمایل چندانی به ادامه تحصیل نداشت و بیشتر مایل بود کاری برای خود دست و پا کند و درآمدی داشته باشد و به خانواده‌اش کمک کند. آن وقت‌ها کار فراوان بود: بانک ملی، شرکت خارجی «ستکو»، کشتیرانی، پتروشیمی، وزارت نیرو و او گزینه آخر را انتخاب کرد.

ابتدا کاری به او محول شد که همیشه آرزویش را داشت: برق‌رسانی به مناطق محروم و لذت بردن از راه یافتن روشنایی و گرما و حرکت به شهرها و



تشکر و قدردانی

از لطف و مساعدتی که آقایان دکتر هاشمی، دکتر مدنی، دکتر دادرش زاده و سرکار خانم دکتر مشیری، در طول مدت درمان مادرم در بیمارستان نفت ابراز داشته‌اند صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. از درگاه خداوند بزرگ برای این عزیزان و همچنین کادر پرستاری و خدماتی بخش هشت بیمارستان پاداش اخروی آرزو دارم.

مهر داد امیر غیاثوند

سپاسگزاریم...

از این که با ارسال کارت تبریک و گل، یادآور سالروز تولدمان می‌شوید، خرسندیم. از توجهی که به جامعه شریف و زحمتکش بازنشستگان صنعت دارید سپاسگزاریم. پایداری، سلامت و شادکامی‌تان را آرزو مندیم.

سیما فرزند طهرانی - تهران

سیده رقیه حسینی ۶۶۰۴۴۵

پوران آزادگان ۸۳۳۱۱

هوشنگ جلوه سهی - ۵۲۳۴۵۳

میرزا زمانی فرد - اصفهان:

از سه سال پیش به بیماری ورم طحال مبتلا شدم و پس از طی یک دوره طولانی درمان، سرانجام در بیمارستان شرکت نفت در تهران و تحت نظر دکتر مهدی تیرایی تحت درمان قطعی قرار گرفتم. لازم می‌دانم از این پزشک دانشمند و حاذق قدردانی کرده و موفقیت بیشتر ایشان را در خدمتگزاری به کارکنان صنعت نفت آرزو کنم.

سیفا... الهی پناه، علی اصغر نوری و خلیل امینیان - تهران:

باتوجه به تخصیص اعتبار لازم و تأمین ملزومات کوهنوردی برای علاقه‌مندان به ورزش فرح کوه‌پیمایی، به نمایندگی از سوی بازنشستگان ورزشکار، از رییس و اعضای هیأت ریسه کانون بازنشستگان صنعت نفت تشکر کرده، همکاری و همراهی بی‌دریغشان در این زمینه را ارج می‌نهمیم.

عیدی محمد رحمانی:

با تلاش بی دریغ و خالصانه مسؤول دلسوز امور درمانی کانون بازنشستگان صنعت نفت آبادان، همسرم توسط دکتر منوچهر رازانی زاده در بیمارستان امام خمینی آبادان تحت عمل جراحی قرار گرفت. به این وسیله از این پزشک قابل و از کارکنان دلسوز و زحمتکش بخش جراحی بیمارستان کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

پاسخ به نامه‌ها

نادر ملک قاسمی - چالوس

سروده شما در مورد استاد شهریار دریافت شد. امیدواریم از سروده‌های دیگر شما بهره‌مند شویم. پایدار باشید.

آقای مظفر پرویزی - گچساران

در مورد ناخوانا بودن فیش حقوق بارها نوشته و تذکر داده‌ایم. امیدواریم با اقدام مسؤولان، این مشکل رفع شود. پیشنهادهایتان در مورد وام خودرو و وام مسکن به دست‌اندرکاران و وام صندوق‌ها ارایه شده است.

پرسش‌هایی که بدون پاسخ نمی‌ماند

پاسخ سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت به گلایه‌های دو همکار بازنشسته

در آغاز پنجمین سال انتشار نشریه، خرسندیم که «زندگی نو» این توفیق را داشته است ضمن جلب نظر و اعتماد مخاطبان خود، به گونه‌ای زمینه مناسب برای تعامل بین جامعه بازنشستگان و مسؤولان را فراهم آورد. توجه روزافزون به مطالب و آرایه نظرها و پیشنهادها در نشریه، به تعامل دوسویه در این زمینه کمک شایانی کرده است. نکاتی که از سوی مسؤولان بهداشت و درمان صنعت نفت در پاسخ به خواسته‌ها و انتقادهای خوانندگان عزیز تهیه و برای نشریه ارسال می‌شود، به روشنی نشان می‌دهد کمتر نکته‌ای از زاویه دید و نظر مسؤولان و متولیان امور بازنشستگی بیرون می‌ماند و نادیده گرفته می‌شود. پاسخ به نامه دو همکار بازنشسته که دربرگیرنده برخی گلایه‌ها و انتقادهای خدمات‌رسانی در حوزه امور درمانی و بهداشتی است، نمونه بسیار خوبی در این زمینه است. برای تهیه دقیق و موثکافانه این پاسخ‌ها، به گفته مسؤولان سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت، جلسات کارشناسی متعددی تشکیل شده است. ضمن تشکر از آقای دکتر مروی رییس روابط عمومی سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت که به نحوی مسؤولانه موارد مذکور را تا اخذ نتیجه نهایی پیگیری و بهره‌ر را به زندگی نو ارسال داشته‌اند، متن گلایه‌ها و پاسخ‌های دریافتی را از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانیم.

عبدالکریم، ر به شماره کارمندی ۶۳۷۵۰ - کرج:

باتشکر از تلاش شبانه‌روزی مجموعه دست‌اندرکاران بهداشت و درمان صنعت نفت، در مواردی برخی برخورد‌ها می‌تواند روی چنین تلاشی تأثیر نامطلوب بگذارد. برای نمونه، برخورد نامناسب با همسرم که برای دریافت تأییدیه عمل انجام شده در خارج از درمانگاه، به دندان پزشکی درمانگاه کرج مراجعه کرده و در کمال تعجب از سوی پزشک درمانگاه، آن هم بدون انجام معاینه، متهم به دروغ‌گویی شده است، همسرم که خود دارای ۵ فرزند تحصیلکرده از جمله یک پزشک متخصص جراحی مغز و اعصاب از کشور آلمان است از این توهین به شدت آزرده و ناراحت شده است. این روحیه بی‌اعتمادی از کجا ناشی می‌شود؟

پاسخ:

در همان تاریخ که گلایه مکتوب شده است، اینجانب با شخص آقای عبدالکریم - ر به اتفاق همسرشان ملاقات حضوری داشتم که با بررسی موضوع و دعوت از دندانپزشک مربوطه ضمن دلجوایی از همسر ایشان که متأسفانه به جهت جراحی فک و عوارض ناشی از آن در شرایط روحی و جسمی مناسبی به سر نمی‌برد به ایشان توضیح داده شد که ویزیت و تأیید کار انجام شده توسط دندانپزشک خارج از شرکت به جهت درخواست کانون بازنشستگی از این امور (به عنوان مرکز مورد اعتماد بازنشستگی) صورت می‌گیرد و دندانپزشک هم صرفاً در خصوص وضعیتی که در همان زمان، دهان و دندان بیمار دارد می‌تواند اظهار نظر کند که بعضاً مشکلاتی را ایجاد می‌کند. خوشبختانه بعد از صحبت مفصل طرفین، سوء تفاهم پیش آمده مرتفع شد و ایشان از خدمات ارائه شده سازمان و این امور ابراز رضایت و تشکر کرد. اینجانب نیز مراتب احترام خود و همکارانم را به ایشان و سایر بازنشستگان به عنوان پیشکسوتان صنعت نفت اعلام کردم و قضیه به خوبی و خوشی پایان یافت.

دکتر محمدصادق شمس‌اللهمی
رییس بهداشت و درمان کرج

drug مطرح و اقدامات درمانی برای رفع مسمومیت دارویی شروع و مشاور مقیم داخلی و مقیم بیهوشی و متخصص مسمومیت‌ها در خواست شد که به علت عدم احراز هویت بیمار، تشکیل پرونده منوط به دستور مسؤول فنی بیمارستان شد که پس از دستور وی در ساعت ۲۰:۴۵ پرونده بستری تشکیل و بیمار به ICU منتقل شد. سپس در تاریخ ۸۹/۳/۴ به بخش داخلی منتقل و در تاریخ ۸۹/۳/۵ از نظر متخصص مسمومین ترخیص اما انتقال وی به بخش اعصاب و روان جهت مشاوره، توصیه شد.

نظر به کمیته

کلیه بیمارستان‌ها موظف به پذیرش بیمار اورژانسی و ارائه خدمات اورژانسی هستند. ضمن این که از طریق ستاد مرکزی حوادث دانشگاه‌ها برای بیمار در مراکز دانشگاهی پذیرش انجام می‌گیرد. در بیمارستان نفت، کلیه مراجعان اورژانس اعم از شرکتی و غیرشرکتی پذیرش شده و درمان اولیه در مورد آنان انجام می‌شود و در صورت نیاز بیمارمان غیر شرکتی به بستری شدن با دریافت ودیعه و یا پذیرش در بیمارستان‌های دیگر اقدام می‌شود. در مورد این بیمار، باوجود عدم احراز هویت، کلیه اقدامات درمانی و ویزیت متخصصان به طور صحیح و کامل انجام شده است. اورژانس بیمارستان نفت امکان ارائه اقدامات بخش ICU را دارد و خللی در درمان بیمار رخ نداده است. این گونه بیمارمان در بخش مسمومین بستری می‌شوند که به علت نبود بخش مسمومین در بیمارستان، بیمار برای مراقبت بیشتر به بخش ویژه منتقل می‌شود. بیمار علی‌رغم توصیه به مشاوره روانپزشکی در بخش اعصاب و روان بیمارستان با رضایت شخصی و با حال عمومی خوب از بیمارستان مرخص شده است.

دکتر مجیب بیرجندی
سرپرست بیمارستان مرکزی وزارت نفت
دکتر منوچهر مدنی
دبیر کمیته مور تالیتی - موربیدیتی

ر - س به شماره کارمندی ۵۱۳۸۴۰، تهران:

مدتی پیش دختر نوجوانم در یک شرایط کاملاً غافلگیرکننده، باافت شدید فشارخون، به اغما رفت. بلافاصله او را به اورژانس بیمارستان مرکزی انتقال دادم و وی تحت نظر کارکنان اورژانس، از موقعیت بحرانی خارج شد. اما برای انتقال وی به بخش «آی.سی.یو.» تقاضای دفترچه بیمه درمانی شد. به دلیل تعجیل فراوانی که در انتقال فرزندم به بیمارستان داشتم، فراموش کرده بودم دفترچه را بردارم. از آن جا که با باید دفترچه ارایه می‌دادم و با دومیلیون تومان به حساب بیمارستان واریز می‌کردم، با یک بیک موتوری عازم منزل شدم که در بازگشت و در بزرگراه به علت افزایش ناگهانی فشارخون، به زمین سقوط کردم و مجروح شدم. خوشبختانه با تماس پزشکیار داخل آمبولانس که مرا به بیمارستان دیگری انتقال می‌داد، بیمارستان نفت متقاعد شد که دفترچه بیمه فرزندم موجود است و در نتیجه، پس از ساعت‌ها دستور بستری شدن فرزندم صادر می‌شود. با اصرار فراوان من، شبانه از بیمارستان حضرت رسول اکرم ترخیص و به بیمارستان نفت منتقل و در بخش ۶ مردان بستری شدم و تحت نظر کادر درمانی و پرستاری ویژه دکتر بخت آزاد و دکتر فروشا زندگی دوباره پیدا کردم. اما به خاطر دفترچه بیمه کابوسی بر من و خانواده‌ام گذشت که در زندگی‌ام سابقه نداشت و آرزو می‌کنم برای هیچ فرد دیگری نیز پیش نیاید.

پاسخ:

کمیته مور تالیتی - موربیدیتی بیمارستان مرکزی وزارت نفت در جلسه مورخ ۸۹/۴/۱۴ باحضور تمامی اعضا و با دعوت از آقایان دکتر بیاتیان، دکتر عمیدشاهی، دکتر منصوری، دکتر سمیع و آقای حمیدی برای رسیدگی به پرونده بیمار م-س تشکیل جلسه داد. نتیجه بررسی کمیته به شرح زیر است: بیمار خانم ۱۵ ساله به علت کاهش سطح هوشیاری و خواب آلودگی شدید ناشی از مصرف دارو (suicide) در ساعت ۱۷:۲۹ روز ۸۹/۳/۲ از درمانگاه آزادی به اورژانس بیمارستان ارجاع و توسط پزشک متخصص اورژانس ویزیت شد. علائم حیاتی بیمار stable و سطح هوشیاری ۱۲ (از ۱۵) بود. برای بیمار تشخیص overdose

با مولوی

عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست
اجزای وجودم همگی دوست گرفت

تا کرد مرا تهی و پر کرد ز دوست
نامی است زمن بر من و باقی همه اوست

رمضان

ماه خدا، ماه قرآن، ماه علی (ع)

شعر همکاران

زمزمه عشق

فتنه روی تو منم، شمع وجود من تویی
کشته عشق تو منم، نقش سجود من تویی
من به فدای هر دمت من به نثار مقدمت
خاک رهی تو منم، آب خلود من تویی
ای نگه تو جان فزا، وی نفس تو دلگشا
واله صوت تو منم، نغمه عود من تویی
نیست منم هست منم لولی سرمست منم
محو الست تو منم بود و نبود من تویی
هستی من ز روی تو مستی من ز بوی تو
بسته کوی تو منم، حد و حدود من تویی
من همه شب به یاد تو فارغی از خیال من
مهر سکوت تو منم، گفت و شنود من تویی
بی تو سیاه، روز من، سوز من از نگاه تو
سوخته و خسته منم، آتش و دود من تویی
محض صفای من تویی، محو لقای تو منم
بی کس راه تو منم، یار ودود من تویی
زمزمه هر کسی کند در غم هجر یار خود
زمزمه گوی تو منم، شعر و سرود من تویی

دکتر عطاء... سپه‌امی

خدایا

حُکم اگر حُکم تو، سرها بفرودند همه
قبله گر روی تو دل‌ها بسجودند همه
سر تسلیم تو دارند همه خلق جهان
پیش دریای خروشان تو رودند، همه
می‌رسد هر سحر از طرف چمن زمزمه‌ها
بُلبُل و گل ز تو در گفت و شنودند همه
ماهرویان جهان آن همه زیبایی را
از یکی ذره ز حسن تو ربودند همه
هر که برموی تو آویخت ز نومیدی رست
که تو خود رشته امید و پودند همه
عاشقان تو در خانه بیستند ز غیر
تا در دل به وفای تو گشودند همه

هادی شتابی

یاور مهربان بازنشستگان به سوگ نشست

هیچ کس نیست که خانم عزیزبان مدیر امور
درمان و مددکاری صندوق بازنشستگی را شناسد
یا نامش را نشنیده باشد و در عین حال هیچ کس
نیست که او را دیده و مجذوب صمیمیت و
همدلی‌اش نشده باشد. حدیث مهربانی او حکایتی
است که دیری است بر زبان‌ها جاری و در نامه‌ها
ثبت شده است. او وجود سرپامهری است که
بی‌چشمداشت، وجود خویش را می‌بخشد و
بی‌طمع دریافت، نثار می‌کند، بی‌سبب نیست که
در عین جوانی «مادر بازنشستگان صنعت نفت»
نام گرفته است. امروز مادر بازنشستگان در سوگ
مادر ارجمند خویش خوشه‌های بغض درو می‌کند.
مادری که سال‌ها مونس دختری مادر آسا بود، به
آفتاب پیوست و دل در دامن معبود ازلی آویخت.
اینک نیلوفر غم بر دل‌های بازنشستگان صنعت
نفت جوانه زده، قامت آنان نیز از عبور سنگین و
اندوهبار جویبار لحظه‌ها خمیده است و برای یاور
مهربان خویش عافیت و شکیبایی آرزو می‌کنند.
زندگی نو

مولود کعبه کشته به مسجد!

بگذشته از خدا و رسول خدا، تویی
آن کو نبود و نیست از آن دو جدا، تویی
آنکس که زاد در کنف خانه خدا
بشنید نامش از دو لب مصطفی، تویی
وجه جلی و آیت کبرای ذوالجلال
هم از خدا و هم ز رسولش نما، تویی
سرچشمه دار کوثر عصمت در این سرا
ساقی حوض کوثر دارالبقا تویی
خیرالرجال لایق خیرالنسا بود
خیرالرجال و همسر خیرالنسا، تویی
یکتا کسی که گفت «سلونی» تو بوده‌ای
دریای علم و حکمت بی‌منتهای، تویی
نهج البلاغه‌ها به کلام خدا دلیل
جویندگان راه خدا را، هُدا، تویی
با کشتی نجات بسی هم‌رهنده، لیک
رهبر تویی، امیر تویی، ناخدا تویی
حتی به غیر مُسلم مظلوم دادخواه
فریاد دادخواهی هر مبتلا، تویی
در سینه پرآتش تاریخ، دردسوز

جواد تقوی‌زی

علی (ع) به راستی، مظلوم‌ترین
فرد از نسل آدم (ع) است. این
مظلومیت، نه فقط به سبب نادیده
گرفته شدن حق مسلم اوست، نه
فقط بابت آن شهادت مظلومانه
است، نه فقط به علت تحمل
اهانتی است که بر همسر بی‌همتای
وی روا داشته شد و حتی نه به
خاطر آن است که نسل مطهر او
هم از طوفان کینه کوری که علیه
آن بزرگوار راه افتاده بود، در امان
نماندند و مصائب وارده بر ایشان
پیوسته روح بزرگ علی را عذاب
نگاه داشت، بلکه عظیم‌ترین
ظلمی که بر علی بن ابی‌طالب روا
داشته شد، نانشناخته ماندن قدر،
مقام و ارزش‌های او در حیات و
ممات است. سنگینی این مصیبت
و فشاری را که از این بابت بر
علی تحمیل شده است تنها خدا
می‌داند و علی.

«لیالی قدر» و لحظه‌های آسمانی دیدار



چه شبی است امشب! نور از آسمان می‌بارد
و چنگ دل‌هایمان را می‌نوازد. صبح است انگار...
خورشید عنایت «تو» از کدام مشرق بهاری، طلوع
می‌کند؟! .. از کدام سوی جهان می‌خوانی ام؟
بگو زلال معنویت در رگ روحمان جاری
شود. امشب، شب خواب و رؤیا نیست؛ امشب،
شب بیداری است؛ امشب می‌خواهم مروارید غلطان
اشکم را به تلافی همه روزهای خشکدلی، ببارانم.
کسی از ملکوت، از ماورای حقیقت صدایم
می‌زند. مرا به نام می‌خواند و صدایش عجب
گوشنواز است... من هم دلم همانجاست؛ پیش
همان که عظیم است همان که «ذوالجلال و
الاکرام» است، همان که «الطف من کل لطف»
است، همان که نور است و کسی مثل او نیست...
من بی‌تابم، آرام جانم را می‌جویم. می‌خواهم بیایی و
دستم را بگیرم و سرچشمه زلال فطرت را نشانم
بدهی. ببین که آلوده به گناهیم. ببین که جاذبه‌های
رنگی دنیا، اسیرم کرده است. بگذار در حریم تو، این

لحظات آسمانی را به صبح برسانم. بگذار پروانه
وجودم در شعله حضور تو فنا شود. بگذار قدر این
شب بزرگ را درک کنم. فرصت کم است.
الهی! اگر تاکنون نتوانسته‌ام به اوج روشن

طلوع دومین خورشید امامت

یعنی خدا جمال تو را آفریده است.
ای کمال سخاوت! زمین آغوش خود را
گشوده است تا با تو ببیند و دل بی‌قرار خود را
به دریای تو بزند.
تو آن آیه‌ای که از سوره کوثر نازل می‌شوی
تا منجی روز محشر باشی. تو آمدی و پرده‌های
شب را کنار زدی تا در زلالی سینه‌ات، پرند

می‌آیی از آبی‌ترین کرانه‌های نور؛ تا سخاوت
دریایی تو عرصه‌ای باشد برای طلوع دومین
خورشید امامت در تیرگی زمین.
ای باغبان نور!
با خنده‌های غنچه به مهمانی آمدی، ما
چشن آفتابی آیینه تو را در چهره علی به تماشا
نشسته‌ایم. امروز، گل به خانه زهرا رسیده است

ایمان، دوباره اوج بگیرد.

میلاد حسن (ع)، مهر ناامیدی بر پیشانی شب
زده و راه روشن «صراط مستقیم» را به همگان
نشان داده است. آری! «در صراط مستقیم، ای
دل کسی گمراه نیست» اینک میلاد خجسته و
شکوهمند امام برگزیده، زینت عرش الهی، فرزند
جمیل پیامبر است.

با نسخه نویسی زندگی نو

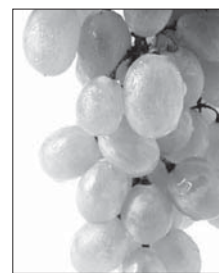
اثرات درمانی انگور



دکتر علیرضا صفوت نیا

آب انگور دارای مقداری تانن، اسیدتارتیک و اسیدمالیک و همچنین دارای کلسیم، آهن، فسفر، منیزیم، پتاسیم، ید، منگنز، گلوکز و خواص رادیو اکتیو و یکی از شفابخشترین میوه‌های طبی و دارای ویتامین‌های D, B, A است.

مصرف انگور (هر نوع انگور) از ابتلا به بیماری‌های اسکوربوت، سرماخوردگی و اورمی جلوگیری می‌کند. این میوه کمبود کلسیم و کم‌خونی را برطرف کرده و برای جلوگیری از اسهال خونی، سیاه سرفه، بیوست، ورم روده (کولیت) و ضعف روده‌ها و نفخ و سرفه‌های مزمن، ورم و درد معده مزمن و همچنین امراض عصبی و روانی، نقرس، تب خال و برونشیت و تب نیز مفید است و چربی خون را نیز کاهش می‌دهد. آب انگور به‌خصوص نوع قرمز آن باعث رسوب‌زدایی عروق و در نتیجه بهبود ناراحتی قلبی می‌شود. یکی از بهترین رژیم‌ها برای کم کردن وزن در افراد چاق رژیم انگور است که در این نوع رژیم، چندین روز فقط به جای هر نوع خوراکی از انگور استفاده می‌شود. انگور با نان و پنیر و گردو خود یک غذای کامل و انرژی‌زا، به‌خصوص در فصل تابستان به شمار می‌آید.



یکی از نوشابه‌های بسیار مغذی و مفید که می‌توان به جای نوشابه‌های رایج استفاده کرد شربت کشمش است. برای تهیه آن می‌توان با قرار دادن مقداری کشمش در آب جوش و گرفتن شیرین کردن آن به ازای هر ۱ کیلو کشمش صد گرم عسل اضافه کرد. مقدار کم آن در یک لیوان آب خنک نوشابه‌ای بسیار مقوی و سالم خواهد بود. در صورت تمایل می‌توان کمی زنجبیل، دارچین، میخک و زعفران نیز به آن اضافه کرد.



«سیکا»

وقتی که چشمه اشک خشک می‌شود

دکتر اسعدنیک آیین

خشکی چشم زمانی بروز می‌کند که چشم رطوبت کافی نداشته باشد. اگر مبتلا به خشکی چشم هستید ممکن است در چشم خود احساس درد یا سوزش کنید. ممکن است در شرایط خاصی مانند داخل هواپیما، در اتاقی که دارای تهویه است یا پس از نگاه کردن به کامپیوتر پس از چند ساعت خشکی چشم را تجربه کنید. درمان خشکی چشم می‌تواند از طریق استفاده از قطره‌های اشک انجام شود. برای موارد شدیدتر ممکن است نیاز به جراحی باشد.

علایم

علایم و نشانه‌های خشکی چشم که نوعی بیماری به نام «سیکا» است و معمولاً هر دو چشم را مبتلا می‌کند شامل این موارد است: تیر کشیدن، سوزش یا احساس خراشیده شدن در چشم، ترشحات چسبناک در اطراف چشم‌ها، تحریک پذیری چشم در اثر دود سیگار و باد، خشکی چشم پس از مختصر مطالعه، حساسیت به نور، احساس ناراحتی به هنگام استفاده از لنز سخت و اشک ریزش زیاد گاه بگاه و تاری دید که غالباً در انتهای روز و بعد از تمرکز به مدت طولانی تشدید می‌یابد.

چه زمانی به پزشک مراجعه کنید

اگر به مدت طولانی علایم خشکی چشم شامل قرمزی، آزدگی، خستگی یا درد چشم دارید به پزشک‌تان مراجعه کنید. پزشک‌تان ممکن است اقداماتی انجام دهد تا مشخص کند علت ناراحتی چشم چیست.

علل

اشک، مخلوط پیچیده‌ای از آب، اسیدهای چرب، پروتئین‌ها و الکترولیت‌هاست. این مخلوط

علل دیگر خشکی چشم:

باد، ارتفاع، هوای خشک، وظایفی که نیاز به تمرکز دارد، مانند کار با کامپیوتر، رانندگی یا مطالعه.

عوارض

اکثر افراد مبتلا به خشکی چشم عارضه‌ای را احساس نمی‌کنند اما عفونت‌های مکرر و زخمی شدن سطح چشم از جمله عوارض اصلی خشکی چشم هستند.

رفتارها و درمان‌های خانگی

پلک‌های خود را بشوئید تا التهاب را کنترل کنید

ممکن است شست‌وشوی مکرر چشم برای افراد مبتلا به التهاب مزه و موارد دیگری که باعث التهاب پلک می‌شود و ترشح چربی چشم را مختل می‌کند، مفید باشد. برای شستن چشم موارد زیر را رعایت کنید:

یک پارچه شسته گرم را روی چشمتان بگذارید. پارچه تمیزی را با آب گرم مرطوب کنید. این پارچه را به مدت پنج دقیقه روی چشم‌تان بگذارید. در صورت سرد شدن، آن را مجدداً با آب گرم مرطوب و گرم کنید. پارچه را با ملایمت بر روی پلک‌تان بمالید تا پوسته‌ها را برطرف نماید. از یک صابون ملایم برای پلک خود استفاده نمایید. از شامپوی بچه یا صابونی که پزشک‌تان تجویز می‌کند استفاده کنید و صابون را روی انگشت تمیز خود بمالید و سپس پلک بسته‌تان را در نزدیکی لبه آن ماساژ دهید. سپس کف‌ها را کاملاً بشویید.

ممکن است پزشک از شما بخواهد که این کار را روزانه انجام دهید، حتی زمانی که علایم خشکی چشم وجود نداشته باشد. متوقف کردن شست‌وشوی چشم می‌تواند سبب بازگشت بیماری شود. در صورت عدم نتیجه‌گیری از روش‌های خانگی باید به پزشک متخصص مراجعه و طبق تجویز وی عمل کنید.

پیشگیری

اگر احساس می‌کنید در آستانه ابتلا به خشکی چشم هستید به مواردی که باعث بروز علایم می‌شود توجه کنید. سپس به دنبال راه‌هایی باشید که از قرار گرفتن در این شرایط پرهیز کنید تا علایم خشکی چشم‌تان بر طرف شود. برای مثال:

- از دمیدن باد به چشمتان خودداری کنید.
- در زمان ورزش باد و یا شنا از عینک استفاده کنید
- به هوا رطوبت اضافه کنید.
- استفاده از پوشش محافظ عینک را برای حفاظت از چشم خود در نظر بگیرید.
- در کارهای طولانی به چشمتان استراحت دهید.
- صفحه مانیتور کامپیوتر خود را در سطحی پایین‌تر از چشمتان قرار دهید.
- مصرف سیگار را ترک کنید و سیگار نکشید.

کمک می‌کند که سطح چشم نرم و پاک بماند، اشک کمک می‌کند تا چشم در مقابل عفونت محافظت شود.

در بعضی افراد علت خشکی چشم، عدم تعادل در ترکیب لایه اشک آنان است. لایه اشک دارای سه قسمت است، روغن، آب و خلط. مشکلات هریک از این لایه‌ها می‌تواند باعث خشکی چشم شود.

در موارد زیر ممکن است تولید اشک کاهش یابد:

سن بیش از ۵۰ سال: با افزایش سن، تولید اشک روبه کاهش می‌گذارد. خشکی چشم در افراد بالای ۵۰ سال شایع است.

بعد از یائسگی: فقدان اشک در زنان خصوصاً بعد از یائسگی شایع‌تر است. این حالت می‌تواند در اثر تغییرات هورمونی باشد.

مشکلات پلک: پلک زدن، لایه‌ای از اشک را بر روی سطح چشم‌ها پخش می‌کند. اگر دچار مشکل پلک هستید و پلک زدن برایتان مشکل می‌باشد، ممکن است اشک به طور مناسب بر روی سطح چشم‌تان گسترده نشده و یا سریع‌تر تبخیر شود و باعث خشکی چشم گردد.

رمز و راز برخورداری از سلامت کامل در ۷۰ سالگی



پژوهشگران آمریکایی با استناد به مباحث علمی بر این باور عامیانه و رایج که بدن انسان با افزایش سن فرسوده و ضعیف می‌شود خط بطلان کشیده و آن را نادرست دانسته‌اند. به گزارش پایگاه اینترنتی "Natural News"، مطالعات پژوهشگران موسسه ملی سالمندان آمریکا بر روی ۱۹۴۶ تن از زنان و مردان ۶۵ سال و بالاتر ساکن نواحی مختلف شهر شیکاگو در شمال آمریکا که ۶ سال به درازا کشیده حاکی است آن عده از سالمندان که تغذیه مناسب و سرشار از سبزیجات داشته‌اند نسبت به هم سن و سالان خود از سلامت روانی و جسمی خوبی برخوردار بوده‌اند. نتایج مطالعات نشان داده است که سالمندان و افراد مسن چنانچه تغذیه مناسب داشته باشند و نکات ایمنی و تندرستی را رعایت کنند با پیر شدن و افزایش سن به خودی خود دچار ضعف و فتور نخواهند شد.

این آزمایش‌ها همچنین نشان داده است سالمندانی که روزانه یک وعده غذای‌شان سبزیجات باشد نسبت به همسن و سالان خود که کمتر سبزیجات مصرف می‌کنند یا به طور کلی سبزیجات را از وعده‌های غذایی خود حذف کرده‌اند، ۴۰ درصد کمتر دچار بیماری‌های مغزی از قبیل آلزایمر یا نقصان عقلی خواهند شد.

دو پژوهشگر آمریکایی علاوه بر تغذیه، ورزش را عاملی مهم و اساسی در تامین سلامت انسان در سنین بالای ۶۰ سال دانسته و تاکید کرده‌اند تغذیه مناسب و سرشار از سبزیجات، ورزش و نداشتن عادات زیان آور مانند کشیدن سیگار، فرد را در سنین پیری و کهولت نه تنها از معاینات و مراقبت‌های درمانی، آزمایش‌های پزشکی و عمل‌های جراحی مصون می‌دارد بلکه از مراجعات عادی به پزشک نیز بی‌نیاز می‌کند.

یکی از پژوهشگران موسسه ملی سالمندی در آمریکا به مردی ۷۰ ساله که در تمام دوران زندگی خود از دوچرخه‌سواری دست نکشیده و با این سن و سال هنوز هفته‌ای سه بار رکاب می‌زند و حدود ۲۰ مایل در مجموع دوچرخه‌سواری می‌کند، اشاره کرده و خاطر نشان ساخته است این مرد از سلامت کامل برخوردار است و چنانچه موارد ایمنی را در تغذیه خود همچنان رعایت کند سال‌های سال عمر خواهد کرد.

اول شهریور ماه، روز پزشک گرامی باد

حکیم و طبیب در افق نگاه و قضاوت مردم شخصیتی مبزر و برخوردار از دانش فقهی و پزشکی و آراسته به فضائل والای اخلاقی بوده است و نماد برجسته و الگوی بارز چنین اندیشوران دلسوز و عالمان فرزانه در تاریخ پر فروغ این سرزمین، طبیب نامور و نابغه بزرگ ایرانی، شیخ الرئیس ابوعلی سیناست که به دلیل ارتباطش با خدا و مکتب وحی، نور حکمت الهی در دل او درخشید و به حکیم الهی تبدیل شد. جامعه پزشکی ایران اسلامی، علاوه بر برخورداری از چنین پیشینه ارزشمند و افتخار انتساب روز پزشک به زادروز طبیب و فیلسوف نامدار ایران اسلامی شیخ الرئیس ابن سینا، مفتخر است که در همه اعصار، فضای معنوی آن معطر به عطر وجود بزرگ مردان گمنام و نیک اندیشان موحدی بوده است که وسوسه‌های فریبناک مادی و تفاخرات دنیوی در مقابل روح بلند آنان سر تعظیم و ستایش فرود آورده است و افتخار خدمت به محرومین و دردمندان را با هیچ موقعیتی برابری نداده‌اند. یکم شهریور ماه سالروز ولادت دانشمند بزرگ و طبیب برجسته نامدار ایرانی، شیخ الرئیس ابوعلی سینا و روز پزشک بر تمامی طبیبان فرزانه و جامعه پزشکی تلاشگر ایران اسلامی خجسته باد.

«Fall»

سقوط سالمندان



دکتر پریسا طاهری
متخصص طب سالمندی

مصرف داروهای خواب‌آور یکی از ریسک فاکتورهای مهم سقوط محسوب می‌شود

با بالا رفتن سن، مرکز ثقل بدن تغییر می‌کند، وزنه تعادل بدن به هم می‌ریزد و بدن به سمت جلو متمایل می‌شود

ورزش و تغذیه مناسب دو عامل مهمی است که از تغییر شکل بدن جلوگیری می‌کند

سالمندان به هیچ عنوان نباید هیچ یک از زنجیره‌های غذایی را حذف کنند

سختگیرانه در بیماران مبتلا به دیابت روی می‌دهد نیز یکی دیگر از عوامل است. افسردگی یکی دیگر از عوامل شایعی است که کم و بیش در همه افراد مشاهده و سبب اختلال حافظه می‌شود.

تغذیه مناسب یکی از عمده‌ترین راه‌های پیشگیری از بسیاری از اختلالات سالمندی است. سالمندی که

یکی از مشکلات مهم و جدی سالمندان سقوط است. حدود ۳۰ تا ۶۰ درصد افراد سالمند یک بار تجربه سقوط دارند و نیمی از آن‌ها این مسأله را چندبار تجربه می‌کنند. در سقوط، تکیه اصلی بر عوامل آن است و سقوط در سالمندان از این جهت قابل توجه و خطرناک است که منجر به شکستگی استخوان و عوارض غیرقابل جبران بعدی می‌شود.

این عارضه چند علتی است و عوامل زیادی در وقوع آن دخیل است. اکثر سقوطها در خانه و بیشتر در حمام و آشپزخانه و هنگام انجام فعالیت‌های ساده روزمره اتفاق می‌افتد. سقوطهای مکرر هشدار است برای بیماری، گاه شروع برخی بیماری‌ها خود را با سقوط نشان می‌دهد.

از مسایلی که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد ترس از سقوط است به‌ویژه در مورد افرادی که یک بار این مسأله را تجربه کرده‌اند، این عامل خود سبب افتادن سالمندان می‌شود. ۱۰ تا ۲۵ درصد از افراد پس از سقوط با محدودیت حرکتی مواجه می‌شوند.

عوامل متعددی در سقوط سالمندان نقش دارد از جمله افزایش سن، مصرف الکل، مصرف برخی داروها، ابتلا به برخی بیماری‌ها، افسردگی، اختلال حافظه، سرگیجه، مشکلات بینایی و شنوایی، مشکلات ناشی از پوشیدن کفش‌های نامناسب و تغییرات پاها و معماری و چیدمان منزل.

یکی از مشکلات سالمندان اختلال خواب است که برای رفع آن به داروهای خواب‌آور رو می‌آورد. مصرف داروهای خواب‌آور یکی از ریسک فاکتورهای مهم سقوط محسوب می‌شود. باید دانست که بخش مهم درمان اختلال خواب به بهداشت خواب مربوط می‌شود و می‌توان با رعایت مسایل جانبی و بدون مصرف دارو آن را درمان کرد.

داروهای ضدافسردگی، داروهای ضد فشارخون و گشادکننده عروق از دیگر داروهایی است که ریسک سقوط را افزایش می‌دهد. افت قند که به علت رژیم

جدی بگیرید

تاثیر پنیلر در تقویت سیستم ایمنی سالمندان

پژوهشگران فنلاندی در جریان یک پژوهش تازه دریافته‌اند مصرف پنیلر سیستم ایمنی بدن افراد سالمند را تقویت می‌کند. پژوهشگران دانشگاه "تورکو" می‌گویند: پنیلر مانند باکتری‌های حامل پروبیوتیک عمل می‌کند و به همین علت می‌تواند به عنوان نگهدارنده و تقویت کننده سیستم ایمنی بدن برای سالمندان مفید باشد.

سالمندان و خطر تماشای تلویزیون‌های سه بعدی

پژوهشگران آمریکایی با استناد به نتایج پژوهش‌های تازه هشدار دادند تماشای تلویزیون‌های سه بعدی به‌ویژه برای سالمندان خطرناک است. به گزارش پایگاه اینترنتی «دیلی استار»، پژوهشگران می‌گویند: تماشای تلویزیون‌های سه بعدی فشار غیرعادی به بدن وارد می‌سازد و به میزان شدیدی، چشم‌ها و مغز را دچار آشفته‌گی و پریشانی می‌کند.

هشدار درباره «فست فود» و تنقلات

نتایج یک پژوهش تازه نشان داده که مصرف فست فود (غذاهای آماده و ساندویچ) و تنقلات ناسالم، نرخ ابتلا به بیماری‌ها و انواع آلرژی‌ها را در انگلیس افزایش داده است. به گزارش «دیلی میل»، این پژوهش که به تازگی در انگلیس صورت گرفته همچنین نشان داده است رژیم غذایی دنیای صنعتی شده غرب که سرشار از چربی، گوشت قرمز و قند است، سبب تشدید بیماری‌ها، به ویژه در سالمندان شده است.

بیماران تحت درمان انسولین روزه نگیرند

یک فوق تخصص غدد درون ریز و متابولیسم توصیه کرد آن دسته از بیماران دیابتی که تحت درمان با انسولین هستند و به دفعات باید در طول روز غذا میل کنند، نمی‌توانند روزه بگیرند. به گزارش ایرنا، دکتر مجتبی ملک گفت: به تیپ یک بیماران دیابتی که از ابتدای تشخیص بیماری خود بیش از یکبار در طول روز انسولین تزریق می‌کنند، توصیه می‌شود از گرفتن روزه خودداری کنند.



فصل دانش اندوزی

سعی می‌کردیم اتاق‌هایی را اجاره کنیم که در ساختمان‌های نزدیک به دارالفنون قرار داشتند چرا که دانشکده فنی، در طبقه دوم دارالفنون قرار داشت. در فصل زمستان که تهران سرد و سپیدیوش می‌شد، به چراغ‌های گردسوز نفتی متوسل می‌شدیم و خود را گرم می‌کردیم. به طور معمول تا ساعت ۱۰ شب در کتابخانه - که نسبتاً گرم بود و میز و صندلی راحتی داشت - می‌ماندیم و بعد با جسم و ذهن خسته به خانه می‌رفتیم و شام مختصری می‌خوردیم و می‌خوابیدیم. من در تهیه عدس پلو مهارت داشتم. پیش از رفتن به دانشکده، غذا را مهیا می‌کردم و شب که به خانه می‌آمدیم، غذا را گرم می‌کردیم و می‌خوردیم. آن وقت‌ها پنج‌شنبه و جمعه - و دیگر روزهای هفته - برای ما هویت و معنای خاصی داشتند. پنجشنبه‌ها تا نزدیک ظهر رسم فنی می‌کشیدیم و جمعه‌ها به شستن رخت‌ها، اطو کشی و نظافت شخصی و تمیز کردن اتاق می‌گذشت.

به دنبال کار

در فصل تابستان به دنبال کار در شرکت‌های ساختمانی بودیم تا در عمل، با مسایل فنی آشنا شویم و در ضمن برای خود درآمد ایجاد کنیم. اوایل، سختی‌های کار آزارمان می‌داد اما از وقتی که یک مهندس فرانسوی به من و چند دانشجوی دیگر گفت: «مهندس ساختمان باید هر روز چند کیلو خاک نوش جان کند!» کار را جدی گرفتیم و از مشکلات نهراسیدیم. آن وقت‌ها ماهانه تا ۶ تومان درآمد داشتیم که پول خوبی بود چون یک خانواده با ۳۰ تومان به راحتی زندگی می‌کرد. تابستان سال سوم هم برای یافتن کار اقدام کردم. مهندس فروغی (پسر فروغی نخست وزیر) و مهندس بازرگان از مدرسان دانشکده فنی بودند و من برای کار به مهندس بازرگان مراجعه کردم. او کاغذی نوشت و مرا به رییس شرکت دانمارکی - هلندی «کامپساکس» (شرکت مهندسی مشاور راه‌آهن ایران) معرفی کرد و من در این شرکت سرگرم کار شدم. همان جا بود که محاسبات خاک‌برداری منطقه قلعه‌مرغی را انجام دادم و در یک مسابقه برنده شدم. مسابقه، مربوط به طراحی یک مخزن ۱۰ لیتری آب برای سربازان انگلیسی در شمال آفریقا بود و من این مخزن را با الهام از بشکه‌های کوچک بنزین هواپیما که در آن زمان متداول بود طراحی کردم و برنده مسابقه شدم و دوهزار تومان پاداش دریافت کردم. پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده فنی، برای یافتن کار به همراه دیگر دوستان بورسیه‌ای به سازمان‌های مختلف و متعددی مراجعه کردیم که حاصلی نداشت، بنابراین به وزارت کشور رفتیم و گفتیم شما پول دادید و ما درس خواندیم و مهندس شدیم و حالا آماده‌ایم تا دو برابر سال‌های تحصیل خدمت کنیم. پاسخ ما را امیر حسین کلالی وزیر کشور وقت داد و گفت: «شما تعهدی به عنوان دانشجوی بورسیه ندارید. بروید و هر کجا که نیاز بود، کار کنید.» به این ترتیب ۱۵ مهندس فارغ‌التحصیل دانشکده فنی رفتند به دنبال کار و من اولین فردی بودم که موفق شد و کار پیدا کرد.

خدمت در نفت

سال ۱۳۲۷ به اداره استخدام شرکت نفت در تهران مراجعه کردم و از مسؤول مربوط که آقای عضدی نام داشت پرسیدم: آیا به یک مهندس راه و ساختمان نیاز دارید؟ بعد فرم استخدام را تکمیل کردم و دو روز بعد رأس ساعت ۶ صبح به درمانگاه سفارت انگلیس رفتم و گواهی بهداشت گرفتیم. چند روز بعد با سمت کارمند ارشد (سینیور) استخدام شدم و با قطار به آبادان رفتم. حقوق ماهانه‌ام ۲۹۰ تومان بود و اولین مهندس فارغ‌التحصیل از ایران بودم که با سمت کارمند ارشد به استخدام در می‌آمد. این را بعدها فهمیدم. اولین کارم در آبادان این بود که به عنوان دستیار به یک لوله‌کش کمک می‌کردم. در اداره مستغلات، کارهای مربوط به خانه‌های سازمانی و تأسیسات و ساختمان‌ها و کارخانه‌ها و جاده‌ها را انجام می‌دادیم و ثابت نگه داشتن میزان آب‌خورد اسکله‌ها در آبادان هم از وظایف ما بود که کار دقیق و حساسی به شمار می‌آمد. مدتی هم جایگزین یک

مهندس فلسطینی بودم که مسؤول تأمین آب شرب آبادان بود. در مجموع ۹ سال در آبادان بودم و بعد به پروژه اولین خط لوله نفت که از اهواز به ازنا به دست انگلیسی‌ها و از ازنا به تهران توسط شرکت «آنتروپوز» فرانسه در دست اجرا بود پیوستم. در سال ۱۳۴۷ در حالی که در اداره مهندسی پخش کاری کردم به افتخار بازنشستگی نایل آمدم.

داد و ستد

هنگامی که در آبادان کار می‌کردم، به توصیه یکی از دوستان در آزمون کارشناسی حقوقی شرکت کردم و پذیرفته شدم. کار من این بود که در جریان رسیدگی به پرونده‌های خاص در خصوص مسایل مطرح شده در پرونده که به مقوله مهندسی راه و ساختمان مربوط می‌شدند تحقیق می‌کردم و با ارایه نتیجه تحقیقات به دادگاه‌به قاضی کمک می‌کردم تا به درستی تصمیم گیرد و رأی صادر کند.

یک روز که قصد داشتیم با «ایر تاسکی» از تهران به آبادان پرواز کنیم، یکی از شخصیت‌های بلندپایه و دولتمردان شناخته شده مرا به دفتر کارش احضار و پیشنهاد کرد با دریافت ۶۰۰ هزار تومان، به گونه‌ای اظهار نظر کنم که قاضی پرونده گمراه شود و بر همان اساس رأی صادر کند. این پیشنهاد زمانی ارایه شد که با مشکلات مالی فراوانی درگیر بودم و می‌توانستم با قبول آن، هم به گرفتاری‌های مالی پایان دهم، هم از اجاره‌نشینی نجات پیدا کنم. البته من به عنوان یک کارمند ارشد شرکت نفت، هرگز به قبول این پیشنهاد تن در ندمم و با آبروی شرکت و شخصیت خودم بازی نکردم. شرکت نفت به من و خانواده‌ام شخصیت و هویت و جایگاه اجتماعی والایی بخشید و من هم به گونه‌ای رفتار کردم که این جایگاه والا حفظ شود و من و امثال من به اشتغال و بازنشستگی در صنعت نفت افتخار کنیم و از تعلق خاطر خود و خانواده‌هایمان به نفت، لذت ببریم. می‌خواهم تأکید کنم داد و ستد با نفت، هم به سود سیستم و سازمان بوده‌هم به نفع کارکنان. هر دو طرف برنده بودند و بازنده‌ای وجود نداشت.

فرشته آرامش

از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۲ خانم شهین عاملی و من شریک شادی‌ها و ناشادی‌ها و یاروغمخوار هم بودیم. او بود که حمایت و تشویق می‌کرد تا تکالیف اداری‌ام را به بهترین شکل ممکن انجام دهم. رفیق نیمه راه نبود، فرشته آرامش بود که پر کشید و آرام و قرار زندگی را با خودش برد. اگر نمی‌رفت و می‌ماند، امروز دخترم ناچار نبود پاسوز من شود. ما دو پسر و یک دختر داریم. پسر بزرگ ۶۰ ساله و مهندس گاز است. پسر دوم در همین خانه زندگی می‌کند و مثل دخترم با من همخانه است. دخترم فعال در یوگا درمانی است. او و گروهی از دوستانش در حال راه‌اندازی یک مرکز یوگادرمانی ویژه سالمندان هستند. دخترم محل سکونت خود را در طبقه دوم این خانه به مرکز یوگادرمانی تبدیل کرده و قصد دارد در کنار پرستاری از من خدمت سلامت سایر سالمندان باشد.

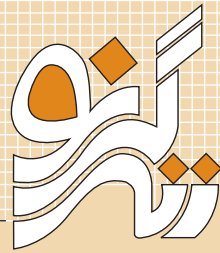
نگران فرزند

عملکرد صندوق بازنشستگی در مجموع رضایت‌بخش بوده و هست و من به سهم خودم تشکر می‌کنم. با این همه، بسیاری از بازنشستگان مشکلی دارند که به نظر می‌رسد باید به دست صندوق رفع شود. اجازه دهید از خودم مثال بیاورم. درست است که دخترم به خاطر مراقبت از پدرش ازدواج نکرده و کاری جز پرستاری از من، آشپزی و تأمین نیازهای روزمره، مراجعه به صندوق و امور بازنشستگی برای انجام و پیگیری کارهای پدرش ... ندارد و تأکید می‌کند کسی او را مجبور نکرده و خود را مدیون پدر و مادرش می‌داند، اما من به عنوان یک پدر، همیشه نگران حال و آینده او هستم و از خود می‌پرسم دخترم به کدامین گناه در این شرایط نامطلوب قرار گرفته است. از سوی دیگر من و امثال من در شرایطی نیستیم که هر فردی را به عنوان پرستار بپذیریم و با خیال آسوده، از خدمات او استفاده کنیم. به این ترتیب از صندوق بازنشستگی می‌خواهم در این زمینه دخالت کند تا استفاده از خدمات پرستاری به طور آسان و بدون تشویش و نگرانی صورت پذیرد.

اشاره: پیربالان دوز، نام کوچهای بود در مشهد که محمدعلی مروراید، ۹۵ سال پیش در یکی از خانه‌های آن دیده به دنیا گشود. پدرش مالکی بنا به مذهب عقیدتی - مذهبی شدید بود و می‌کوشید شش فرزندش از تحصیلات دانشگاهی برخوردار باشند. محمدعلی از دبیرستان فردوسی دیپلم ریاضی گرفت و در سطح استان هشتم (خراسان رضوی امروز) به مقام نخست دست یافت. بیست ساله بود که با اندوخته‌ای در حدود ۲۰۰ تومان به تهران آمد و در خانه خاله‌اش ساکن شد. به دنبال ادامه تحصیل بود اما نمی‌دانست چگونه و از کدام نقطه آغاز کند. یک روز به وزارت فرهنگ رفت و موضوع را با یکی از کارمندان در میان گذاشت. کارمند یادشده که حسب تصادف مسؤول واحد اعزام به خارج بود با تعجب پرسید: «معلوم است کجایی؟! شما با توجه به رتبه تحصیلی‌تان، می‌توانید برای ادامه تحصیل به فرانسه بروید. لطفاً این فرم را پر کنید...» بعد از ظهر آن روز محمدعلی به نشانی یک خیابانی در توپخانه رفت و یک دست کت و شلوار سرمه‌ای با تکمه‌های برنجی شیر و خورشید سفارش داد. چهار تومان دستمزد خیاط را دولت پرداخته بود اما محمدعلی یک شلوار اضافی و یک جلیقه هم می‌خواست. بنابراین دو تومان دیگر پرداخت و سه روز بعد لباس‌هایش را تحویل گرفت. فردای آن روز یعنی بعد از ظهر چهارشنبه، محمدعلی و چند دانشجوی بورسیه دیگر به اتفاق کارمند وزارت فرهنگ به کاخ رفتند و با شاه دیدار کردند. قرار بود سه روز بعد راهی پاریس شود اما یکباره ارتش آلمان از مرزهای لهستان عبور کرد و زبانه‌های آتش جنگ دوم جهانی اروپا و از جمله فرانسه را فرا گرفت و رویای شیرین تحصیل در دانشگاه پاریس به کابوس بدل شد. پس از آن محمدعلی بدون آمادگی قبلی در آزمون ورودی دانشکده فنی شرکت کرد و به عنوان یکی از شاگردان ممتاز، با استفاده از کمک هزینه تحصیلی ماهانه، تحصیل در دانشکده فنی را آغاز کرد. کلاس‌های درس از ساعت ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر برقرار بود و بعد دانشجویان به کتابخانه می‌رفتند و از منابع علمی غیر درسی استفاده می‌کردند.

اولین «سینیور» ایرانی در نفت





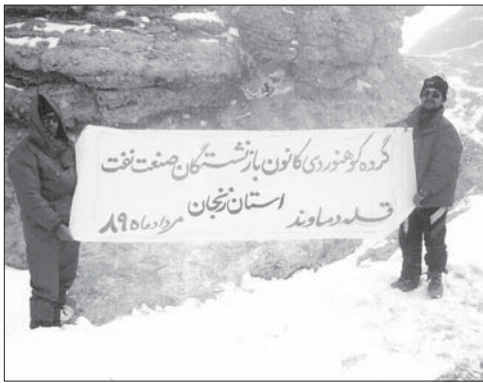
صاحب امتیاز: شرکت خدمات پشتیبانی صبا نفت
نشانی: میدان ولیعصر، ابتدای بلوار کشاورز، ساختمان شماره ۱۵، طبقه اول
کد پستی: ۱۴۱۵۸۱۴۱۶۶
تلفن: ۸۸۸۰۵۱۸۱ و ۸۸۸۰۷۹۸۸
نمابر: ۸۸۸۰۷۹۷۱
پست الکترونیک: zendegie.no@gmail.com

نشریه ویژه بازنشستگان صنعت نفت

سال پنجم / شماره ۹۶ / نیمه اول شهریور ماه ۸۹

ورزش در خانواده بازنشستگان

صعود بر بلندای بام ایران



گروه کوهنوردی بازنشستگان صنعت نفت شهرستان زنجان به قله ۵۶۷۱ متری دماوند صعود کرد. به گزارش دفتر نمایندگی زنجان در این برنامه که طی سه روز به انجام رسید گروه سه نفره کوهنوردی بازنشستگان این شهرستان به سرپرستی آقای اصغر هاشم‌زاده و همراهی آقایان علی رحمتی و محمد دیزجی این صعود موفقیت‌آمیز را رقم زدند.

قهرمان کشتی آسیا

محسن قاسمی فرزند همکار بازنشسته، آقای جهانگیر قاسمی به مقام قهرمانی آسیا رسید. وی که همراه تیم ملی کشتی فرنگی ایران جهت شرکت در مسابقات قهرمانی آسیا در رده جوانان به کشور چین اعزام شده بود، موفق شد در وزن ۶۶ کیلوگرم با پیروزی بر کلیه مدعیان این وزن به مقام قهرمانی آسیا دست یابد.

برندگان اولین

المپیاد ورزشی بانوان

سیما شریعت فرزند همکار بازنشسته خانم مهناز یزدان دوست در اولین المپیاد ورزشی بانوان زیر ۲۶ سال شرکت ملی گاز که در مردادماه جاری برگزار شد در رشته شنای ۵۰ متر سینه موفق به کسب مقام سوم و در رشته‌های ۵۰ متر پروانه و شنای مختلط تیمی به کسب مقام دوم نایل شد. مانده شریعت در همین دوره از مسابقات در رشته ۵۰ متر قورباغه حائز مقام اول شد و در رشته‌های تیمی پروانه و ۵۰ متر پروانه مقام‌های دوم و سوم را از آن خود ساخت.

موفقیت فرهنگی

پدر و فرزند

آقای عباس پاسیار از همکاران بازنشسته، در جریان برگزاری جشنواره فرهنگی، آموزشی و قرآنی سازمان بهزیستی کشور موفق به دریافت لوح سپاس شد. همزمان، مهسا پاسیار فرزند آقای عباس پاسیار در نهمین جشنواره سرودهای نغمه عشق بسیج دانش آموزی به مقام نخست دست یافت.

کسب مقام اول و دوم انفرادی و مقام اول تیمی گردید.

وی عضو تیم نفت است و در پنجمین المپیاد سراسری بانوان وزارت نفت که سال گذشته برگزار شد، با کسب مقام دوم، مدال نقره این دوره از مسابقات را از آن خود کرد.

دعوت

به اردوی تیم ملی



زینب نوش آبادی فرزند همکار بازنشسته آقای حمیدرضا نوش آبادی در جریان برگزاری مسابقات قهرمانی کشور بانوان در رشته دوچرخه سواری حائز رتبه سوم شده است. کمیته فنی مسابقات وی را برای شرکت در اردوی آمادگی تیم ملی دعوت کرده است.

نایب قهرمان «کاتا»



علی میثمی فرزند همکار بازنشسته آقای حسین میثمی ضمن شرکت در رقابت‌های قهرمانی کاراته استان اصفهان، موفق به کسب عنوان نایب قهرمانی در رشته «کاتا» انفرادی شد.

عضویت در تیم قهرمان فوتبال ساحلی

علی حامدی فرزند همکار بازنشسته آقای گل آقا حامدی به عضویت تیم ملی فوتبال ساحلی ایران درآمد. وی که همراه با این تیم جهت شرکت در تورنمنت فوتبال ساحلی مجارستان به این کشور اعزام شده بود در پایان مسابقات با قهرمانی تیم ایران در این پیروزی بزرگ نیز سهیم شد.

بازنشستگان فلات قاره بر فراز قله «الوند»

گروه کوهنوردی بانوان شرکت نفت فلات قاره که بحضور تی چند از همکاران بازنشسته شکل گرفته است، طی برنامه‌ای سه روزه به استان همدان اعزام شد و برای صعود به قله الوند حرکت خود را از «گنج‌نامه» آغاز کرد.

این گروه پس از سه ساعت پیاده‌روی در دشت «میدان میشان» و گذر از میان جلوه‌های زیبای طبیعت و زندگی عشایری منطقه به قله ۳۴۵۰ متری الوند حرکت کرده و با صعود بر بلندای آن، به یک موفقیت بزرگ ورزشی دست یافتند. اعضای این گروه عبارت بودند از خانم‌ها: فرشته مقیمی کاخکی، سهیلا مبارز، زهره دهقان، فیروزه پرنیان‌فر، زهرا جعفری، فرشته عاشوری، مهنازملکی، ناهید غلامی، نیمه ابراهیمی، زهرا ابراهیمی و اکرم خرازانی. این برنامه با هدایت مربی باسابقه کوهنوردی، آقای حسین قربانی به انجام رسید.

نایب قهرمان بدمینتون

سارا ستاینده فرزند همکار بازنشسته آقای ستاینده در یک دوره مسابقه بدمینتون که از سوی تربیت بدنی منطقه پنج تهران برگزار شد به مقام نایب قهرمانی دست یافت. این مسابقات به مناسبت سالروز آزادسازی خرمشهر برگزار شد.

قهرمان شنا

انوشه یداللهی فرزند همکار بازنشسته خانم صونا محرمی گرگری در مسابقات شنای مناطق بیست‌گانه سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت که در شیراز برگزار شد موفق به

خبر

انتخاب مدیرعامل

بر اساس تصمیم هیأت مدیره کانون کارمندان بازنشسته صنعت نفت خوزستان آقای مرتضی ستایش به عنوان مدیرعامل انتخاب شد. وی پیش از این در سمت مدیر داخلی کانون مذکور انجام وظیفه می‌کرد.

تسلیمت

■ کارکنان صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت، کلیه کانون‌های بازنشستگی و دفاتر نمایندگی در سراسر کشور مصیبت وارده را به سرکار خانم عزیزبان مدیر محترم امور درمان و مددکاری صمیمانه تسلیم می‌گویند.

■ اعضای هیأت مدیره کانون بازنشستگان صنعت نفت تهران، مصیبت وارده را به همکار بازنشسته گرامی جناب آقای احمد جوهری‌زاده رییس کانون بازنشستگان اهواز صمیمانه تسلیم می‌گویند.

■ اعضای هیأت مدیره کانون بازنشستگان صنعت نفت استان آذربایجان شرقی، مصیبت‌های وارده را به همکاران بازنشسته گرامی آقایان نصرت... رییس شقایی، جهانگیر میهن و حمید پارس‌مهر صمیمانه تسلیم می‌گویند.

■ کارکنان دفتر نمایندگی شاهرود، مصیبت وارده را به همکار بازنشسته گرامی جناب آقای فریدون عرب احمدی صمیمانه تسلیم می‌گویند.

■ کارکنان دفتر نمایندگی غرب تهران، مصیبت‌های وارده را به همکاران بازنشسته گرامی سرکار خانم جمیله صفرزاده و جناب آقای هاتف صفرزاده صمیمانه تسلیم می‌گویند.

■ کارکنان دفتر نمایندگی چالوس، مصیبت وارده را به همکار بازنشسته گرامی جناب آقای قربان قلی‌پور صمیمانه تسلیم می‌گویند.

■ کارکنان صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان، دفاتر نمایندگی اصفهان، شاهین‌شهر و کرمانشاه و ایلام مصیبت وارده را به همکار بازنشسته گرامی جناب آقای علی اکبر ولی‌زاده صمیمانه تسلیم می‌گویند.

■ کارکنان دفتر نمایندگی نجف‌آباد مصیبت وارده را به همکار بازنشسته گرامی جناب آقای غلامرضا محمدی صمیمانه تسلیم می‌گویند.

www.bazneshaste.com

ارتباط با صندوق نشانی دفاتر نمایندگی تهران



■ نمایندگی شرق: بزرگراه رسالت، نرسیده به میدان رسالت، خیابان ۵۵، خ شهید حسن مهدی، شماره ۱۲+۱
تلفن: ۷۷۲۰۳۳۲۷ تلفکس: ۷۷۸۹۶۷۰۱
■ نمایندگی غرب: فلکه دوم صادقیه، ابتدای بلوار آیت‌ا... کاشانی، نرسیده به پمپ بنزین، شماره ۲۵
تلفکس: ۴۴۰۷۸۲۰-۴۴۰۹۰۱۱۳
■ نمایندگی جنوب: شهرری، میدان نماز سی و پنج متری امام حسین، پلاک ۳۱، ساختمان کوثر، طبقه اول
تلفن: ۳۳۳۹۶۸۳۰-۳۳۳۹۶۸۳۱-۳۳۷۵۰۶۷۱
■ نمایندگی مرکز و شمال: میدان ولیعصر، ابتدای بلوار کشاورز، ساختمان شماره ۱۵، تلفن: ۸۸۹۰۰۱۸۰



تلفن نشریه: ۸۸۸۰۵۱۸۱
تلفن راهنما: ۸۸۹۲۵۰۰۱
روابط عمومی: ۸۸۹۱۷۲۷۸

پست الکترونیک: sandoghha@nioc.org